

ارایه الگوی خانواده درمانی سهم گذاری

معصومه اسمعیلی^۱

چکیده:

این بحث به هدف ارائه یک تعریف متفاوت از خانواده؛ مبتنی بر مبانی و اصول برداشت شده از قرآن کریم و ارائه یک الگوی مشاوره ازدواج و خانواده صورت میگیرد. به این منظور ابتدا مقدمه‌ای بر چگونگی تشکیل خانواده، تحولات خانواده در جهان و تاثیر پذیری و تأثیر گذاری این تحولات در زندگی انسان، با توجه به متون مرتبط ارائه شده است. پس از ارایه مقدمه، به تبیین فضای روشی و نظری میپردازد. به این منظور ابتدا مقایسه‌ی کوتاهی بین روشها نموده و سپس نوع و سطح ارایه نظر خود را معرفی می‌نماید. پس از طرح جایگاه نظری به توضیح جدول فرایندی ارایه الگو توجه نموده و به دنبال آن مواضع هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی اسلامی از افق محقق مطرح می‌شود. سپس مبانی و اصول مستخرج از آیات از افق دید محقق مطرح می‌شود. روش مورد استفاده در این پژوهش، روش استقرایی-قیاسی است. سطح تحلیل در این جستار هم تهیه یک گزارش توصیفی از آیات درباره ازدواج و خانواده بود و هم گسترش یک نظریه درباره ازدواج و

۱. دانشیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی. Email: masesmaeilily@yahoo.com

خانواده. جامعه پژوهش، قرآن کریم و نمونه آیات مرتبط با زوجیت و خانواده بود که با استفاده از نمونه گیری هدفمند ابتدا واژه زوج و واژگان مرتبط و بیت و واژگان مرتبط مورد بررسی قرار گرفت و تمام آیات و تفاسیر مرتبط از طریق نرم افزار تبیان استخراج شد. سپس سؤال ها و آیات با کدگذاری اولیه به افرادی با مطالعه عمیق قرآنی فرستاده شد و با تکمیل مباحث با نظرات ایشان به تعیین مبانی و اصول پرداخته شد. یافته های پژوهش عبارتند از: مبانی اول مخلوقیت سهم گذار و اصول مرتبط: حکیمانه بودن نیاز ذاتی به همسری، خالق محور معنابخشی، مسئول در مقابل اهداف کلی آفرینش، عامل در سعادت و شقاوت خود/مبنای دوم آفرینش احسن و اصول مرتبط: انتخابگری لازمه ی تکوین بشر، ارتباط لازمه ی تکوین بشر، معیارمندی آفرینش./مبنای سوم پیوستگی و وسعت هستی و اصول مرتبط: حق محور همگرایی، نظارت و قاعده مندی آفرینش، درک اصل و فرع لایه های وجود از طرف سهم گذار، درک پیوستار زمان از طرف سهم گذار، درک بافت پرورش سهم گذار./مبنای چهارم هدفمندی آفرینش و اصول مرتبط: مشابهت نگاه سهم گذاران، هماهنگی نگاه سهم گذاران بر محور حق، نیت مداری و در نهایت مبانی پنجم زوجیت و اصول مرتبط: آرامش، مودت، رعایت نقشهای زوجی، دوستی بر مبنای حق، هماهنگی با قواعد کلی، زوجیت به اذن الله.

پس از طرح اصول و مبانی، تعاریف متعددی از خانواده مورد بحث قرار گرفته و سپس تعریف خانواده از نظر محقق مطرح و مولفه های آن در ارتباط اصول و مبانی الگوی سهم گذاری مورد بحث قرار گرفته و در نهایت برنامه عملی آموزشی و مشاورهای زوج و خانواده مبتنی بر این اصول و تعاریف ارائه شد. برنامه مورد نظر در بخش محتوا مولفههای زندگی سعادتمند زوجی با توجه به ویژگیهایی که قرآن کریم در سوره فرقان و انبیا مطرح فرموده در بخش فرایند مسیر سلوک انسانی از نظر قرآن کریم و در بخش فنون نیز از فنون ارتباطی، استدلالی، استعلایی و قانع سازی هیجانی هستی شناسانه قرآن کریم بهره گرفته است.

مقدمه

به نظر می‌رسد تشکیل خانواده این طور شروع شده باشد که زن و مرد اولیه به دلیل یک نیاز فطری و یک جاذبه خلقتی و هستی شناسانه به سوی یکدیگر کشیده شده و ارتباط آنها موجب تولد اولین محصول مشترک آنها در این سهم گذاری آغازگر شده است. لازمه حفظ این محصول مشترک، سهم گذاری‌های تداوم بخش در این شراکت را در پی داشته است و به این ترتیب اولین خانواده با سهم گذاری یک زن و مرد، بر مبنای یک نیاز فطری و جاذبه خلقتی و هستی شناسانه شکل گرفته است. به نظر می‌رسد شرایط سخت گذشته، این شراکت را آنقدر ضروری، غیر قابل تغییر، هدف مدار و دگرخواهانه (حفظ فرزند) ساخته باشد که چیزی غیر از آن و فراهم آوردن ملزومات تداوم آن را در ذهن زن و مرد اولیه غیر قابل تصور می‌ساخته است.

میتوان این طور تصور کرد که این روند مبانی اولیه زندگی خانوادگی که همان فطری بودن نیاز به یکدیگر، وجود جاذبه خلقتی و هستی شناختی، رفع نیاز و آرامش یافتن به یکدیگر، شکل گیری مودت، تولید مثل و شکل گیری رحمت را به ظهور رسانده باشد. سپس افزایش خانواده‌ها، کارکردها، انتخابها و پیچیده تر شدن ارتباطات، جمعیت‌های متفاوتی از انسان‌ها را بوجود آورد تا یکدیگر را بشناسند. لازمه این گوناگونی وضع اصول و قوانین بود. بعضی از این قوانین که ناشی از سنخ وجودی بشر و هستی شناسانه است لایتغیر و

بعضی دیگر وابسته به شرایط محیطی و نوع انتخاب‌های بشر است که مختار آفریده شده و براساس این ویژگی تکوین می‌یابد. نهایتاً تشکیل جوامع بزرگتر و شرایط محیطی پیچیده‌تر منجر به تغییر ساختار خانواده شده است. تغییرات ساختاری سیستم خانواده تا امروز تابعی از وضعیت‌های اجتماعی در دوره‌های تاریخ بشر بوده است.

روش جستار

هدف کلی: تعیین ویژگی‌های الگوی مشاوره‌ای سهم‌گذاری مبتنی بر مبانی و اصول و طرح کلی قرآن کریم درباره ازدواج و خانواده است.

سطح تحلیل: سطح تحلیل در این جستار هم‌تیه‌ی یک گزارش توصیفی از آیات درباره ازدواج و خانواده بود و هم‌گسترش یک نظریه درباره ازدواج و خانواده.

تعیین کدهای خاص: ابتدا مفهوم زوجیت مبنای اساسی قرار گرفت و دو سؤال اصلی شکل گرفت و آن‌اینکه از نظر قرآن کریم مبنای زوجیت درهستی چیست؟ و سؤال دوم اصول زوجیت و اداره‌ی یک خانواده‌ی پویا و رشد‌دهنده مبتنی بر این مبانی چیست؟ سپس تمام موضوعات مرتبط با این کدها با توجه به مطالعه‌ی ترجمه و تفسیر آیات مرتبط مورد بررسی قرار گرفت. سپس یک تعریف مقدماتی از خانواده طرح شد و با توجه به مبانی استنتاج شده از قرآن کریم یک تبیین نظری مفهومی ارائه شد سپس با توجه به رابطهی مفاهیم و پیش فرض‌های استخراج شده، یک برنامه‌ی عملی (فرایند، محتوا و فنون) برای مداخله در مسایل زن‌شوهرها و خانواده‌ها طراحی شد. در پایان با توجه به این‌که هر برنامه‌ای باید در عمل سنجیده شود، برای اعتباریابی، برنامه‌ی آن در حل مساله خانواده‌ها و مشاوره ازدواج‌های متعدد به کار گرفته شد که در این گزارش، خلاصه یک نمونه از آنها ارائه خواهد شد.

در این جستار در حقیقت دو محور اساسی در ارائه کلی‌مسایل قرآن قابل دریافت بود که گویی همه‌ی امور روی نقطه‌ای از این دو محور قرار دارد. محور مخلوقیت-خلق احسن و محور وسعت بی‌وقفه آفرینش-هدفمندی آفرینش یا به طور خلاصه وسعت یخشی هدفمند که هر چیز در گذر از نیستی به هستی از این مسیرها مایه می‌گیرند.

جامعه پژوهش، قرآن کریم و نمونه آیات مرتبط با زوجیت و خانواده بود که با استفاده

از نمونه گیری هدفمند ابتدا واژه زوج و واژگان مرتبط و بیت و واژگان مرتبط مورد بررسی قرار گرفت و تمام آیات و تفاسیر مرتبط از طریق نرم افزار تبیان استخراج شد. سپس سؤال ها و آیات با کد گذاری اولیه به افرادی با مطالعه عمیق قرآنی فرستاده شد و با تکمیل مباحث با نظرات ایشان به تعیین مبانی و اصول پرداخته شد.

تحولات خانواده در ایران و جهان

امروزه، یکی از علل تغییر تعریف خانواده و مفاهیم مرتبط با آن مربوط به تضعیف بنیان های فلسفی ازدواج در کشور های غربی بوده است. برای مثال دو مفهوم «تعهد به زندگی با یکدیگر»^۱ و «تعهد به ازدواج»^۲ یکسان با یکدیگر تلقی می شوند در پارادایم های مختلف نظرات درباره اینکه خانواده چیست و ساختار آن چگونه باید باشد متفاوت و همواره در حال تغییر است.

آنچه مسلم است این است که در معنای خانواده و زندگی خانوادگی تغییرات و آشفتگی های زیادی رخ داده است. در بین جوامع غربی و (دیگر جوامع)، افراد شیوه های متنوعی را برای زندگی در کنار یکدیگر انتخاب می کنند. برخی از این انتخاب ها مستلزم تغییراتی در الگوی خانواده های هسته ای است، برخی دیگر اقداماتی کاملاً حساب شده و روشن برای کنار گذاردن خانواده هسته ای است، از جمله برخی روابط تک والدی و اشتراکی. (دالاس و دراپر، ترجمه اسمعیلی، ۱۳۸۹)

خانواده در عصر حاضر به حیات خود ادامه خواهد داد و از بین نخواهد رفت. اما دگرگونی هایی در الگوهای خانواده و روابط حاکم بر آن ایجاد خواهد شد. مردم شکل های جدید و متنوع تری از روابط خانوادگی را تجربه خواهند کرد. خانواده در عصر جهانی شدن، خانواده هسته ای سنتی نخواهد بود.

خانواده که نهادی اجتماعی است، تحت تاثیر فرآیند جهانی شدن، تحولاتی را تجربه کرده که آن را در تعارض با خانواده سنتی قرار داده است. خانواده در طول تاریخ، تحت

1. commitment to live together
2. commitment to marriage

تأثیر تحولات گوناگون اقتصادی و اجتماعی، دگرگون شده است. (عنایت و موحد، ۱۳۸۳). به نظر میرسد که خانواده هسته‌ای پس از روند صنعتی شدن غرب شکل حاکم خانواده چه در دنیای صنعتی چه در سایر مناطق جهان شد. اما امروزه آمار کشورهای پیشرفته صنعتی نشان می‌دهد که خانواده هسته‌ای (زن و شوهر و فرزندان) دیگر اکثریت خانواده‌ها را تشکیل نمی‌دهند و در حال حاضر انواع جدید خانواده‌ها پدید آورده‌اند و تعداد آنها به حدی رسیده که دیگر نمیتوان از پدیده‌های استثنایی صحبت کرد، بلکه باید نگاهی مجدد به تعریف خانواده کرد و بخصوص در آن تأمل کرد. زیرا کلیه شواهد بر دگرگونی خانواده تأکید دارد.

در آمار آمریکا ۲۷٪ از افراد، خانواده‌ای شامل زن و شوهر و فرزندان ازدواج نکرده دارند (خانواده هسته‌ای)، خانواده شامل زن و شوهر که دارای فرزند نیستند نیز ۲۷٪ هستند. افراد مجرد ۳۸٪ و خانواده‌های تک والدی ۸٪ را تشکیل می‌دهند. خانواده‌های تک والدی بیشتر شامل مادر با فرزند یا فرزندان خود است، اما بتدریج پدر- تنها با فرزند یا فرزندان از لحاظ درصد جمعیتی اهمیت می‌یابد. نکته مهم این است که با مقایسه‌ای میان آمار سال ۱۹۶۰ و ۱۹۹۰ آمریکا، می‌بینیم خانواده با فرزند و خانواده بدون فرزند کمتر شده به جای آن زندگی مجرد و خانواده‌های تک والدی افزایش یافته است. (اعزازی، ۱۳۸۰)

آمار موجود نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج در کل کشور برای مردان ۲۷/۳۰ سال و برای زنان ۲۳ سال است (خبرنامه آماری کشور، ۱۳۹۱). طی سالهای ۸۶ تا ۹۰ درصد تغییر نرخ ازدواج هر سال نسبت به سال قبل کاهش داشته، طوریکه در سال ۸۶ (۸/۱) در سال ۷۸ (۴/۸) در سال ۸۸ (۱) در سال ۸۹ (۰/۲) و در سال ۹۰ (۱/۹-) بوده است. به عبارت دیگر از سال ۸۶ تا ۸۹ بر میزان ازدواجها هر چند با شیب اندک، اضافه شده ولی در سال ۹۰ کاهش یافته است (سالنامه آماری، ۱۳۹۰).

در آمریکا، در دهه ۱۹۷۰، نزدیک به ۴۰۰ هزار زوج در قالب الگوهای هم خانگی زندگی می‌کردند، اما این آمار در دهه ۱۹۸۰ به ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار زوج رسید (اسپانیر^۱، ۱۹۸۵). و در اواخر دهه ۱۹۹۰، از مرز ۴ میلیون گذشت (سلزور^۲، ۲۰۰۰). این در حالی است

1. spanier
2. seltzer

که بر طبق آمارهای سال ۲۰۱۰، بیش از ۷ میلیون زوج (۱۴ میلیون نفر) در امریکا در قالب هم خانگی با یک دیگر زندگی می کنند. همچنین نتایج تحقیقات نشان می دهد بیش از نیمی از زنانی که در امریکا ازدواج کرده اند، پیش از آن، رابطه هم خانگی را با همسر فعلی خود تجربه کرده بودند (گودوین، ۲۰۱۰). این تغییرات گویای آن است که در چند دهه اخیر، واقعه ای مهم در این جوامع رویداده است. تحولات اقتصادی و تغییرات اجتماعی در پی آن، بسیاری از معادلات را برهم زده است. با گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج، در کشورهای متعدد جهان، به تدریج «سن ازدواج» در این کشورها افزایش یافت؛ اما با گسترش هم خانگی، «تعداد ازدواج ها» نیز کاهش چشم گیری یافت؛ چرا که هم خانگی، به شکل رقیبی جدی، در مقابل ازدواج قد علم کرده بود.

امروز به نظر می رسد بشر می تواند با بازبینی نتایج عملکرد خود در طول تاریخ از بین الگوهای عملی که تاکنون وجود داشته دست به انتخاب بزند. با افزایش پیچیدگیها و ایجاد شرایط خاص اقتصادی، سیاسی بوسیله قدرتهای حاکم، فرهنگ و ارتباطات خانوادگی به شدت دستکاری شده است. هرچند امروز سرعت و پیچیدگی این تغییرات آنچنان زیاد است که فرصت یافتن برای درک و انتخاب موقعیت مناسب بسیار مشکل مینماید و متأسفانه بسیاری از جوامع در درون شرایط سقوط کرده و با مشکلات و معضلات غیر قابل پیش بینی آن رو برو شده اند اما همچنان قدرت انتخاب و بازگشت در اختیار بشر است.

با توجه به اینکه در قرن اخیر صنعت طبقه بندی، سنجش استقرایی و کمی سازی در علوم تجربی به رفتارهای اجتماعی بشر هم تعمیم داده شد، و به این ترتیب حوزه های مختلف روان شناسی و مشاوره مانند خانواده درمانی شکل گرفته که به طرح الگوهایی برای تبیین و حل مسایل خانواده می پردازد.

شکل گیری الگوها و نظریه ها در هر حیطه ای همواره مبتنی بر مشاهدات، تجربه و بروز نیازها بوده است. مطالعه نحوه شکل گیری الگوهای خانواده درمانی نشان می دهد که افراد معرفی شده به عنوان افراد صاحب نام در متون غربی، ابتدائاً براساس مداخلات عملی برای حل مسائل به اجتماعات خاصی مثل اجتماعات فقیر، اقلیت ها و یا بیمارانی مانند مبتلایان به اسکیزوفرنی وارد شدند و سپس با طبقه بندی اطلاعات حاصل از گزارشهای صوتی و

تصویری مداخلات صورت گرفته و ثبت و سامان بخشی، آنها را در قالب الگوهای درمانی ارائه کرده‌اند. در هر صورت ورود به هر حیطه‌ی علمی با تعریف موضوع آن علم شروع می‌شود. لذا باید ببینیم خانواده چیست؟

البته در حوزه علم بشری تعریف هر موضوعی تحت تاثیر روح علمی حاکم بر آن شکل می‌گیرد به این ترتیب تعریف واحدی از یک موضوع وجود ندارد. از آنجا که تعاریف تحت تاثیر فضایی‌های هستی‌شناسانه خاصی متناسب با میزان پیشرفت و گستره کشف هر فضا شکل می‌گیرند، برای فهم یک موضوع و تفاوت‌های نظری، لازم است به فرایند چگونگی شکل‌گیری الگوها توجه جدی داشته و فضای هر یک به خوبی درک شود.

تبیین فضای روشی و نظری

روشهای شهودی (تجربه شخصی)، تجربی، عقلی، استنباطی چهار روش تحصیل معرفت است. شاید بتوان گفت که روش یافتن معرفت به ترتیب از شهودی که یک تجربه شخصی است شروع شده و بعد موارد قابل به اشتراک گذاردن تجربه‌ها، روش تجربی را بوجود آورد و سپس قدرت انتزاع بشر و استخراج کلی از کلی یعنی روش عقلی که مقدمات قیاس آن از بدیهیات اولیه و وجدانیات و فطریات است صورت گرفت و در نهایت روش استنباطی است که از هر سه روش قبلی استفاده میکند و به تعمیم یافته‌ها مبادرت می‌ورزد. از روش استنباطی در دین به اجتهاد نیز تعبیر می‌شود و آن در تعریف عابدی شاهرودی (۱۳۸۵، ص ۵۶) عبارت است از «استخراج مضامین و مدالیل گزاره‌های دینی با تکیه بر مبانی و قواعد برآمده از متون دینی یا ضوابط برگرفته از عقل ضروری و یا کاشفهای دیگری که در شرع امضا شده‌اند». بعضی برای علم دو مقام گردآوری و داوری را قائل شده‌اند. اثبات‌گرایان مقام داوری را تنها به روش تجربی واگذار می‌کنند در حالیکه دیگران تجربه را تنها به عنوان یکی از معیارهای داوری به رسمیت می‌شناسند. گروه دوم گزاره‌های معتبری که آزمون تجربی را از سر نگذرانده‌اند، در سطح فراتجربی علم می‌نشانند، خواه این گزاره‌ها ذاتاً تجربه پذیر نباشند، و خواه به رغم تجربه پذیر بودن هنوز بالفعل تجربه نشده باشند. بر این اساس نظریه‌ها در سطح فراتجربی از روش استنباطی برای گردآوری مطالب و داوری استفاده می‌کنند

در حالیکه در سطح تجربی فقط در مقام نظریه سازی و تدوین فرضیه‌ها از روش استنباطی استفاده می‌کنند و برای داوری از روش تجربی پیروی می‌کنند، روشی که در آن فرضیه‌های مستخرج از نظریه با توجه به نتایج آزمون‌ها رد یا تایید می‌شوند.

من نیز در ارائه یک الگوی درمانی برای مسائل خانواده این فرایند را مدنظر داشته‌ام. آرایه گزاره‌های درون یک نظریه به سه شکل می‌تواند صورت بندی شود: ۱- با بیان گزاره‌های کلی برخورد از تایید تجربی به شکل مجموعه ای از قوانین ۲- گزاره‌هایی که با بیان فرایندهای علی اثر چند متغیر مستقل را بر چند متغیر وابسته تعیین می‌کند و ۳- گزاره‌هایی متشکل از اصول بدیهی و مشتقات آن (مبتنی بر اصول)

آرایه گزاره‌های یک نظریه ی مبتنی بر متون دینی مطمئناً از شکل یک و دو و حتی سه می‌تواند استفاده کند. البته این سؤال مطرح خواهد بود که چنانچه نتایج فرضی را تایید نکنند، چه خواهد شد؟ در پاسخ باید گفت: اولاً آنچه اینجا به عنوان دین مطالعه می‌شود همه به گونه‌ای برداشتی است که ناشی از سعی در فهمیدن مواضع دین است، پس چنانچه نقدی وارد شود بر فهم محقق است در عین حال در موضوعات اجتماعی هم آموزه‌ها می‌تواند دوباره به لحاظ اصل بودن مورد مطالعه قرار گیرد و هم با توجه به شرایط در تحلیل نتایج دقت کافی خواهد شد و در نهایت هر چه عقل فطری حکم کند آن دین است.

سطح نظریه

مرتون^۱ نظریه‌ها را در سه سطح مطرح می‌نماید. اول سطح کلان، که تبیین کننده رفتار، سازمان و تغییر اجتماعی است؛ دوم سطح متوسط که حلقه‌ی نظریه‌های کلی نظام‌های اجتماعی و توصیف‌های منظم جزئی غیر قابل تعمیم از موارد خاص است و در نهایت فرضیه‌های با بُرد کوتاه که در جریان پژوهش‌های روزمره ایجاد می‌شوند. با این تعریف

بلیکی نظام‌های اجتماعی پارسونز^۱ را نمونه نظریه‌های کلان و نظریه خودکشی دورکیم^۲ را نظریه دامنه متوسط می‌داند (بلیکی، ترجمه بیگ پوری، ۱۳۸۹).

اگر رویکردها را در علوم روان شناختی دینی به سه حوزه نقلی، عقلی - فلسفی و علمی تقسیم کنیم که با تعاریف ذیل معنی شوند:

رویکرد نقلی که با گردآوری و استخراج گزاره‌های روان شناختی از آیات و روایات متون اسلامی قرآن و منابع اصیل اسلامی تدوین می‌شود و تاکنون نظام و روش خاصی نیافته است.

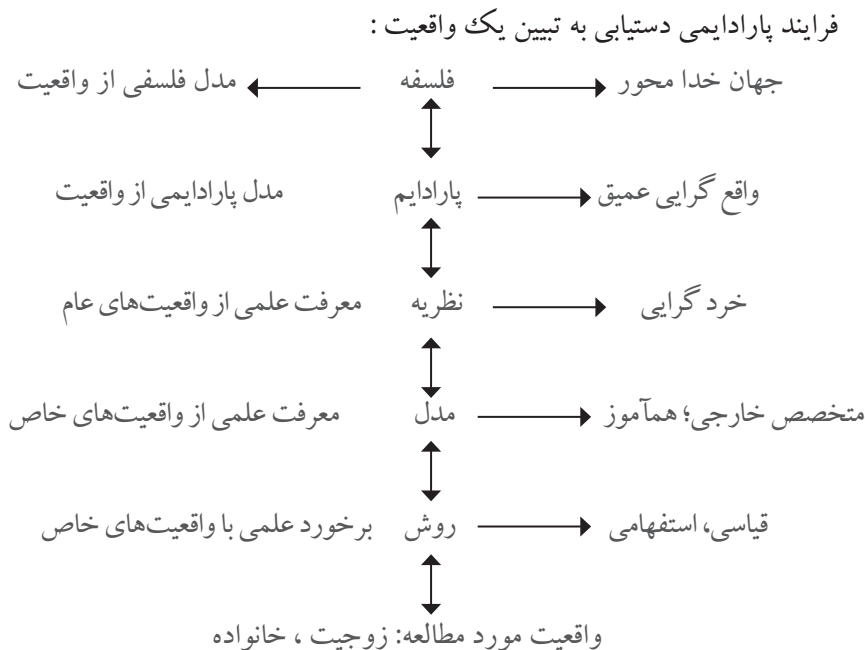
رویکرد عقلی - فلسفی که سعی می‌کند گزاره‌های روان شناختی بر مبنای عقل و استدلال به متون دین پردازد مانند نظریات عطار، مولوی، غزالی، مطهری، طباطبائی.

رویکرد علمی که با رویکرد معمول در پژوهش‌های علمی حوزه انسانی استفاده می‌کند. در این الگو هر سه روش مورد توجه قرار گرفته است.

در بحث توجه به مبانی و اصول از رویکرد نقلی و عقلی - فلسفی و در بحث اعتباریابی از روش روش علمی استفاده شده است.

۱. پارسونز در کارهای اولیه خود جریانهای مختلف اندیشه اجتماعی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم را در چارچوبی فراگیر ترکیب میکند. مهمترین ویژگی این ترکیب در هم آمیختن نظریات کنش اجتماعی کلگرا و فردگرا است. پارسونز با بهره‌گیری همزمان از رهیافت‌های فردگرا و کلگرا به سازماندهی کنشهای فرد در نظامهای کنش می‌پردازد. پارسونز همچنین دنیای اجتماعی را از زاویه نگرشها و به‌خصوص هنجارها و ارزشها مورد مشاهده قرار داد. هنجارها قواعدی هستند که بوسیله اجتماع پذیرفته شده‌اند و مردم آن‌ها را به کار می‌گیرند تا درباره کنشهای خود تصمیمگیری کنند. مهمترین فرایندهای اجتماعی تبادل معنا، نمادها و اطلاعات است. پارسونز اندیشه کنش را به مفهوم نظام اجتماعی بسط میدهد. نظام اجتماعی حول هنجارها و ارزشهایی ساخته میشود که بخشی از محیط کنشگران را تشکیل میدهد. از نظر پارسونز، کنش نوعی از رفتار است که جنبه آگاهانه دارد. وی از میان کنشها، کنش متقابل اجتماعی را مورد توجه قرار میدهد و فرد را در مرکز این نظریه قرار میدهد. پارسونز معانی مختلفی از نظام اجتماعی دارد. در یک جا آن را شبکه روابطی میداند که عاملین را دربر میگیرد و در جای دیگر تجمع افراد را در کنش متقابل میداند.

۲. دورکیم نظریه خود را در خصوص خودکشی بر پایه همبستگی اجتماعی پایه ریزی کرد. وی در مطالعه کلاسیک خود از میزان‌های خودکشی در فرانسه، انگلستان، دانمارک و .. آن را در چهار گروه متمایز تقسیم کرد و هر یک از این انواع رابطه خاص را بین فرد و جامعه بر اساس "همبستگی گروهی" ارایه داد. او دو نوع همبستگی و چهار نوع خودکشی مربوط به آنها را تشخیص داد که سه نوع آن معلول سه نوع ساختاری است که آمار خودکشی در آن ها بالاست و یک نوع آن ناشی از تغییرات ساختاری است که به بی هنجاری (آنومی) می‌انجامد. هسته اصلی بحث دورکیم را مفهوم "همبستگی" تشکیل می‌دهد. به هر اندازه همبستگی اجتماعی سست گردد و ارتباط و تعلق فرد به گروه کاسته شود، او آمادگی بیشتری برای پایان دادن به حیات خود پیدا می‌کند. (ستوده، ۱۳۸۴)



از آنجا که یک پارادایم یا ترکیب پارادایمی باید موضع تحقیق در قبال ماهیت واقعیت (موضع هستی شناختی)، ارتباط محقق با آنچه درباره اش تحقیق می کند (موضع معرفت شناختی)، نقش ارزشها در مطالعه (موضع ارزش شناختی) و فرایند تحقیق (موضع روش شناختی) را روشن سازد من نیز بر اساس فهم خود از متون به تعیین این مواضع می پردازم .

موضع هستی شناسی اسلامی

به نظر می رسد قرآن کریم درباره هستی به طور کلی و از جمله ماهیت اجتماعی انسان از آن جهت که بر واقعیت مستقل از ذهن تاکید دارد، نگاهی اثبات گرایانه دارد. یعنی الگوهای ثابت از پیش خلق شده بانظمی که قابل کشف است را معرفی می نماید. (ای مردم ما شما را از یک مرد و زن خلق کردیم و شما را بصورت جماعات بزرگ و کوچکی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست. خداوند دانا و آگاه است (/سوره حجرات، آیه ۱۳۱). البته گستره این هستی شامل غیب و شهاده است ، نه تنها شهاده.

۱. یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقیکم ان الله علیم خبیر

به نظر می‌رسد موضع هستی‌شناسی اسلام، ماهیت انسان را حی متاله می‌داند. یعنی وجودی که می‌داند از کجا آمده و به کجا می‌رود و چه باید بکند و البته دچار نسیان می‌شود و قرآن ذی ذکر است (سوره شمس، آیه ۸۱). جنس انسان حی است که جامع حیات گیاهی، حیوانی و انسانی است و فصل آن تأله است یعنی خودخواهی مسبوق به خداشناسی و ذوب شدن در الوهیت او ۲ (سوره الاعراف، آیه ۱۷۲) و از این نظر با هیچ یک از پارادایم‌های موجود سنخیتی ندارد.

به نظر می‌رسد موضع هستی‌شناسی اسلامی به عاملیت انسان قائل است و اراده بشر را در امور تایید می‌کند. انسان تکویناً صاحب اراده خلق شده است و می‌تواند یکی از دو مسیر هدایت یا ضلالت را برگزیند (سوره الانسان، آیه ۳ و ۷۶۳) و از این نظر به پارادایم انتقادی نزدیک است اما پس از انتخاب نمی‌تواند نتیجه را تغییر دهد چون هستی دارای قواعد است.

موضع معرفت‌شناسی

جایگاه معرفت‌شناسی: به نظر می‌رسد جایگاه معرفت‌شناسی هر چند در مقام «اثبات ۴» بعد از طرح مسائل و مقدمات دیگر قرار دارد اما در مقام «ثبوت» بر همه مسائل مقدم است. یک نظام منطقی قیاسی مبتنی بر علم حضوری (آیه ۲ و ۳ سوره بقره) و علم حصولی (فاطر، ۵۲۸؛ مجادله، ۱۱۶) نشأت گرفته از علم حضوری از حق (آنچه هست) و باطل (آنچه نیست) است. از این نظر شاید کمی به اثبات‌گرایی نزدیک باشد اما حیطه‌های دانش در اینجا عبارت از شهود و غیب است

تناسب دانش: به نظر می‌رسد معرفت به خاطر متاله شدن انسان است. الله خدایی است که

۱. فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ﴿٨﴾

۲. - وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ

۳. ا هدیانه السبیل اما شاکرا و اما کفورا

۴. تفاوت اثبات و ثبوت: عالم ثبوت عبارت است از وجود واقعی اشیاء و عالم اثبات ناظر بر حصول علم ما نسبت به اشیاء است.

۵. - وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلَفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ
۶. - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانْشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

هفت آسمان و زمین را مثل آن بیافرید و امر او در بین آنها پیوسته نازل می شود تا بدانید که خدا بر هر چیز تواناست و خدا بر همه چیز احاطه علمی دارد (سوره طلاق، آیه ۱۲۱).
نقش عقل سلیم از دیدگاه اسلام: به نظر می رسد اگر عقل سلیم را عقل جمعی معنی کنیم، تنها زمانی کاربرد دارد که منطبق بر حق یعنی هستی باشد. عقل از موضع اسلامی شامل عقل تجربی (مدرک امور تجربی و انسانی) عقل نیمه تجربی ای (مدرک ریاضیات) عقل تجربهای و ناب (مدرک اصول عقاید اخلاق احکام فقهی و قوانین حقوقی دین یا عرفان نظری) است.

جایگاه ارزش ها: تحلیل معیار شناخت صحیح و سقیم که از اوصاف شناخت است بدون توجه به حقیقت شناخت میسر نیست چنانکه آشنایی با حقیقت شناخت در گرو جهان بینی بوده و در پرتو معلوم شناسی حاصل می شود (جوادی آملی؛ معرفت شناسی قرآنی، ص ۹۶).
در اینجا احتمالاً به پارادایم انتقادی نزدیک هستیم یعنی کل علم باید با یک موضع ارزشی آغاز شود که در آن بعضی مواضع درست و بعضی اشتباه خواهد بود.

موضع روش شناختی: دلایل پژوهش: کشف قوانین خلقت برای شناخت خالق/ شواهد خوب: شواهدی هستند که بتوانند رابطه خلق و خالق را مشخص نمایند. تبیین: تبیینی درست است که بتواند به طی مراحل تاله کمک کند. / نوع روش تحقیق: روش کمی و کیفی، پیمایشی، آزمایش تطبیقی، تاریخی، انتقادی، گفتمانی و هر نوع پژوهشی که شواهد خوب را میسر سازد.

۱. (الذی خلق سبع سموات و من الارض مثلهن یتنزل الامر بینهن لتعلموا ان الله علی کل شیء قدیر و ان الله قد احاط بکل شیء علماً):

مواضع پارادایمی	عناصر پارادایمی	هستی‌شناسی اسلامی
موضع هستی‌شناسانه	ماهیت واقعیت اجتماعی	قرآن کریم درباره هستی و از جمله انسان از آن نظر که هستی نظم قابل کشفی دارد نگاهی واقع‌گرایانه واقع‌گرایی عمیق ^۱ دارد اما هستی محدود به عالم شهاده نیست و عالم غیب هم وجود دارد.
	ماهیت انسان	انسان حی متاله است
	عاملیت انسان	عاملیت انسان اهمیت دارد و بشر در امور اراده دارد.
موضع معرفت‌شناختی	نظریه شبیه است به	شاید کمی به اثبات‌گرایی نزدیک باشد اما حیطه‌های دانش در اینجا عبارت از شهود و غیب است. یک نظام منطقی تعاریف، گزاره‌ها قوانین به هم مرتبط.
	تناسب دانش	معرفت بخاطر متاله شدن انسان است و به انسان کمک می‌کند سعادت‌مند شود
	نقش عقل سلیم	عقل سلیم یعنی عقل جمعی زمانی کاربرد دارد که منطبق بر حق یعنی هستی باشد
	جایگاه ارزش‌ها	با توجه به حقیقت شناخت میسر می‌گردد.

موضع روش شناختی	دلایل پژوهش	کشف قوانین خلقت برای شناخت خالق و شناخت خالق برای متاله شدن.
	شواهد خوب...	شواهدی که بتوانند رابطه خالق و مخلوق را مشخص نمایند
	تبیینی درست که	تبیینی که بتواند به طی مراحل تاله کمک کند
	نوع روش تحقیق عمده	روش کمی و کیفی، پیمایشی، آزمایش تطبیقی، تاریخی، انتقادی، گفتمانی و هر روشی که بتواند رابطه مخلوق با خالق را توضیح دهد.

۱. واقع گرایی عمیق: براساس هستی شناسی مبتنی بر واقعگرایی عمیق یا همان واقع گرایی انتقادی-اجتماعی، واقعیت در ۳ سطح یا حوزه مجزا اما مرتبط سطح بندی می شود که عبارتند از: سطح تجربی، سطح حقیقی و سطح واقعی (باسکار، ۱۹۷۸). حوزه تجربی واقعیت در برگیرنده جهانی است که با استفاده از حواس خود، آن را تجربه می کنیم (حوزه تجربه گرایی)؛ حوزه حقیقی شامل رویدادهایی است که ممکن است فرد بتواند آنها را مشاهده کند و یا مشاهده نکند، یعنی این سطح ممکن است قابل مشاهده نباشد و حیطه واقعی که در برگیرنده فرایند بوجود آورنده وقایع (حوزه علت ها) است. بر اساس این نوع واقع گرایی، قلمرو تجربی، قلمرو سطحی، ظاهری، مشاهده پذیر و از این رو به سهولت سنجش پذیر بوده و تنها با آنچه که می توان تجربه کرد ارتباط دارد، در حالی که حیطه واقعی لایه ای است که به ساختار و نیروهای اشیا بر می گردد؛ حوزه حقیقی نیز بر آنچه رخ می دهد اگر و زمانی که آن نیروها فعال شوند، متمرکز است، یعنی بر آنچه که آنها انجام می دهند و آنچه که رخ می دهد، زمانی که عملی را انجام می دهند (سایر، ۲۰۰۰). براساس این نحل، تنها در قلمرو «واقعی» واقعیت است که ابژه های غایی تحقیق علمی مستقل از دانشمندان و فعالیت های آنها وجود داشته و عمل می کنند (بعد اثباتگرایانه واقعگرایی انتقادی-اجتماعی). مانند هستی شناسیهای واقع گرایی سطحی و دقیق، در این نوع هستی شناسی فرض بر این است که واقعیت دارای وجودی بیرونی و خارجی است که موجودیتش ممکن است مشاهده شود و یا نشود. مشاهدهی واقعیت- که شامل این سه قلمرو یا سطح است- از آنچه می تواند مشاهده شود تا قلمرو اصلی ساختارها و مکانیسم های علی امتداد دارد. ایده محوری هستی شناسی واقعگرایی عمقی به لایه بندی واقعیتی اشاره دارد که مستقل از معرفت ما به آن وجود دارد؟ (باسکار، ۱۹۷۹). به همین دلیل است که آن را هستی شناسی واقعگرایی عمقی می خوانند.

در ابتدا، بحث این بود که آیا «حقایق» و «ارزش ها» می توانند و باید جدا از هم در نظر گرفته شوند؟ توصیف وقایع

همچنان که دیدیم برای ارائه هر الگو باید مبانی و اصول آن مورد بحث قرار گیرد. لذا در این بخش ابتدا به مقایسه کوتاهی از مبانی و اصول چهار پارادایم خانواده درمانی پرداخته و سپس به ارائه اصول و مبانی این الگو خواهیم پرداخت

اصول و مبانی زیر بنایی تعریف

اصولاً هر نظریه دارای مبانی و اصول خاصی است که نظریه پرداز حیطه‌ی مورد نظر خود را با بهره گیری از آن توصیف و تبیین میکند. در یک نظریه مبانی همان گزاره‌های توصیفی درباره یک موضوع و اصول گزاره‌های تجویزی استنباط شده از مبانی و معیار عمل است.

حقیقی و درست فرض می‌شدند، در حالی که ارزش‌ها یا به صورت وارد کردن قضاوت‌ها- نسبت دادن ارزش- یا به صورت تجویز و تحریم رفتاری خاص در نظر گرفته می‌شدند. تاکنون چنین فرض می‌شد که برای عینی بودن، علوم باید فارغ از ارزش باشند، یعنی علم تنها درباره‌ی حقایق باشد. ارزش‌های محقق باید در تمامی مراحل تحقیق علمی با استفاده از نظریه‌ها و فرایندهای طبیعی و مستقل دور نگه داشته شوند.

پاسخ‌های اولیه به این داعیه‌ها منجر به ایجاد شُبّه‌هایی در مورد توان محققان در دستیابی به این هدف گردید. یک راه حل پیشنهادی آن بود که محققان الزاماً و آشکارا ارزش‌های خود را بیان کنند تا سوژه‌ها و خوانندگان را قادر به قضاوت در مورد تحقیق‌شان سازند که آیا و به چه اندازه نتایج به ارزش‌ها آلوده شده است. لازم به ذکر است که گرچه هنوز از این موضع دفاع می‌شود، اما کاملاً رضایت بخش نیست، زیرا برای همگان غیرطبیعی و ناممکن است که از ارزش‌ها و مفروضات درونی محققان کاملاً آگاه شوند و برای مشاهده گران نیز قضاوت در مورد تاثیرهایی که بر فرایند تحقیق می‌گذارند، امری دشوار است (سیل، ۱۹۹۹). در حال حاضر در علوم اجتماعی معاصر، اکثر رویکردها (برای مثال همه‌ی رویکردهای برساختی-تفسیری، انتقادی، فمینیستی، پست مدرن و گاه پراگماتیسم) پذیرفته‌اند که ارزش‌ها در مراحل مختلف وارد فرایند تحقیق می‌شوند. در خلال عمل مشاهده فعال و علمی جهان، محقق از مفاهیمی فنی استفاده می‌کند که ناگزیر مبتنی بر نظریه‌ها و فرضیه‌های مورد استفاده وی بوده است. علاوه بر این، زندگینامه، فرهنگ، آموزش حرفه‌ای محقق و عضویت در اجتماع علمی خاص، همگی بر پذیرش مفروضات هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی وی اثر می‌گذارند. این امر به نوبه خود بر آنچه دیده می‌شود، شنیده می‌شود، تحلیل می‌شود و بر چگونگی درک آن، تاثیر می‌گذارد. به طور خلاصه، فرض می‌شود چون تمام مشاهده‌ها سرشار از نظریه هستند، لذا مشاهده یا تحقیق خواسته یا ناخواسته، مستقیم یا غیر مستقیم در هر مرحله‌ای از تحقیق ناگزیر از تفسیر است؛ از این رو، هیچ گونه حقیقت محضی که انسان مبین آن باشد وجود ندارد. توضیح بیشتر این دیدگاه که «مشاهده سرشار از نظریه است» آن بود که مسئله ارزش‌شناسی تنها به شیوه مشاهده‌ی جهان از سوی محقق خاتمه نمی‌یابد، بلکه می‌تواند نتیجه تفسیرها و مفروضات مشترک باشد. در اینجا، معرفت عبارت است از چشم‌انداز یک ناظر خاص در یک مکان خاص و این مکان خاص نیز جهان بینی‌های مشترک یک اجتماع علمی است. دانشمندان در این جهان بینی‌های مشترک- که از سوی اعضای اجتماع حفظ و مورد دفاع قرار می‌گیرند- جامعه پذیر شده و عمل می‌کنند. مفروضات مربوط به آنچه واقعیت را شکل می‌دهد و این که چگونه می‌توان آن را شناخت به چیزی فراتر از انتخاب شخصی بر می‌گردد که آن هم اجتماع علمی است (محمدپور، ۱۳۸۹)

هر نظریه دارای مبانی و اصول خاصی است که نظریه پرداز حیطه‌ی مورد نظر خود را با بهره‌گیری از آن توصیف و تبیین میکند. در یک نظریه مبانی همان گزاره‌های توصیفی درباره یک موضوع و اصول گزاره‌های تجویزی استنباط شده از مبانی و معیار عمل است. در این الگو من تلاش کرده‌ام با توجه به مطالعه و درک آموزه‌های هستی‌شناسانه قرآن کریم درباره خانواده، مبانی و اصولی را برای توصیف و تبیین خانواده ارایه نمایم. اصول مستخرج از این مبانی در دو دسته مورد بحث قرار گرفته است:

الف- اصول کلی آفرینش مرتبط با ازدواج و ب- اصول مختص زوجیت

مبنای اول: مخلوقیت سهم گذار^۱

مالک حقیقی و مدبر آسمانها و زمین به عنوان یک امر تردیدناپذیر، خداوند است. مالکیت آسمانها و زمین از آن اوست. زنده می‌کند و می‌میراند. بر هر چیز تواناست^۲ (حدید ۲). اول و آخر و پیدا و پنهان اوست و او بر هر چیز داناست (حدید، ۳). ارکان و سهم گذاران خانواده مخلوق خدای واحدند.

الف: اصول کلی آفرینش مرتبط با ازدواج

خالق، محور معنا بخشی^۳: هیچگاه با قاطعیت مگو چنین یا چنان خواهم کرد مگر آنکه آن را وابسته به مشیت الهی نمایی (۲۳ و ۲۴ کهف ۴).

۱. هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا ﴿١﴾ إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿٢﴾ آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکرى نبود (۱). ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم بدین جهت او را شنوا و بینا قرار دادیم (۲) (ایه ۱ و ۲ سوره انسان). يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾ ای مردم پروردگار خود را پرستش کنید، آن کس که شما و پیشینیان را آفرید، تا پرهیز کار شوید. (۲۱ بقره). يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ۚ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ ۚ (آیه ۶ و ۷ سوره انفطار)

۲. لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
۳. إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَ إِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ إِذْ تَخَلَّقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَ تُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَ إِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَ إِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۱۱۰ سوره مائده).

۴. وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكْ غَدًا ۚ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَ اذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَ قُلْ عَسَىٰ أَن يَهْدِيَنِي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا (۲۳ و ۲۴ سوره کهف)

هر حرکت، تغییر و تصمیم باید منطبق بر اراده خداوند باشد.

ب- اصول مختص زوجیت

اصل مسئولیت درمقابل اهداف کلی آفرینش (اسرا) ۱: هر عملی از سوی انسان باید اهدافی متناسب با اهداف هستی داشته باشد زیرا در غیر این صورت آن عمل بیهوده است. همانها که دین و آیین خود را سرگرمی و بازیچه گرفتند و زندگی دنیا آنان را مغرور ساخت امروز ما آنها را فراموش می‌کنیم همان گونه که آنها لقای چنین روزی را فراموش کردند و آیات ما را انکار کردند (الاعراف ۵۱) جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ مِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ...». (شوری ۴۲، ۱۱) گرچه جمله «يَذُرُّكُمْ فِيهِ»، تکثیر نسل انسان را بیان داشته است، در این جهت، میان انسان و چارپایان و گیاهان فرقی نیست. در جای دیگری می‌فرماید: پروردگار، شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را نیز از جنس او آفرید، و از آن دو، مردان و زنان بسیاری را پراکنده ساخت: «...و بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً...». (نساء/ ۴، ۱) در آیه ۷۲ نحل/ ۱۶ می‌فرماید: از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌ها قرار داد «...وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ حَفَدَةً». قرآن، بقای نسل انسان و اجتماع مدنی را به ازدواج منوط می‌داند و روی آوردن به زنا* و لواط* را نابودکننده راه بقای نسل می‌شمارد: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا» (اسراء/ ۳۲، ۱۷)، «أَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَ تَقْطَعُونَ السَّبِيلَ...» (عنکبوت/ ۲۹، ۲۹)؛ آنچه مشخص است اینکه با رواج روابط نامشروع، رغبت به ازدواج کم می‌شود؛ جاذبه آن از بین می‌رود، می‌ماند بار تأمین مسکن و نفقه و به دنیا آوردن اولاد و تربیت؛ به این ترتیب راه‌های آسان پاسخ‌گویی به غرایز که نامشروع است، رایج می‌گردد و هدف بقای نسل، نادیده گرفته خواهد شد!

زوجین و اعضای خانواده موظف هستند، رفع نیازهای خود را با توجه به اهداف کلی

آفرینش برطرف کنند.

۱. الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. همانها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آن گاه که بر پهلو خوابیده اند، یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند:) بار الها! اینها را بیهوده نیافریده ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار! [۱۹۱ / ال عمران]. أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى. آیا انسان می‌پندارد که بیهوده و باطل رها می‌شود (و تکلیف و حسابی ندارد). [۳۶ / قیامه]

اصل عاملیت انسان در سعادت و شقاوت خود^۱: فضایی که مساله در آن ایجاد می شود باید مدنظر قرار بگیرد هم به لحاظ معنایی هم به لحاظ تاریخی. آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود، آنها نیرومندتر از اینها بودند و زمین را بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند و پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغشان آمدند خداوند هرگز به آنان ستم نکرد. آنها خودشان به خودشان ستم کردند^۲ (روم؛ آیه ۹) انسان مسئول سرنوشت خود است، پس باید سعادت خود را در مسئله ازدواج مدنظر قرار بدهد.

اصل حکیمانه بودن نیاز ذاتی به همسری^۳: نیازهای فطری انسان از جمله نیاز به همسر کامل کننده وجود اوست و وجود این نیاز در هستن انسان، یک حکمت است. این نیاز است که او را از خودخواهی و در خود لولیدن دور می کند. به وجود او وسعت می بخشد و ارتباط داشتن و علاقه اجتماعی را در او نهادینه می سازد. زنان و مردان برای به ظهور رسیدن همه ی ظرفیت های وجود خود باید ازدواج کنند مگر در شرایط خاص که صبر به آنها پیشنهاد شده است.

۱. - وَ مَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَى إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ. و پروردگار تو هرگز شهرها و آبادیها را هلاک نمی کرد تا اینکه در کانون آنها پیامبری مبعوث کند که آیات ما را بر آنان بخواند و ما هرگز آبادیها و شهرها را هلاک نکردیم مگر آنکه اهلش ظالم بودند! [۵۹ / قصص]. ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ. این (ارسال پیامبران) برای این است که پروردگار تو هرگز هلاک کننده (مردم) شهرها و روستاها به ستم نبوده در حالی که اهلشان غافل باشند. [انعام / ۱۳۱]

۲. - أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

۳. - فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُوكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. او آفریننده آسمانها و زمین است و از جنس شما همسرانی برای شما قرار داد و جفتهایی از چهارپایان آفرید و شما را به این وسیله [بوسیله همسران] زیاد می کند هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست . (۱۱) سوره شوری- يَنْزِلُ الْمَلَكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ. فرشتگان را به فرمان خود با روح (با وحی و قرآن) بر هر کس از بندگانش که بخواهد فرو می فرستد که هشدار دهید که معبودی جز من نیست ، پس از من پروا کنید. (۲) سوره نحل).

مبنای دوم: آفرینش احسن^۱

هر چیز در جهان آفریده شده است؛ در بهترین شکل خود است: «همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید». «در آفرینش خداوند رحمان تضاد و نقصی نمی‌بینی، دوباره نگاه کن. آیا هیچ شکاف یا خللی می‌بینی «ملک، آیه ۳» و «او همان کسی است که هر چیز را آفرید، نیکو آفرید ۲» (سجده، آیه ۷). به این ترتیب آفرینش زن و مرد به عنوان ارکان تشکیل دهنده یک خانواده به بهترین شکل هماهنگ و آماده پذیرش یکدیگر صورت گرفته است».

الف: اصول کلی آفرینش مرتبط با ازدواج

اصل معیارمندی آفرینش^۲: همه جهان هستی با قدر معلوم در تدبیر الهی تکوین یافته است. همچنان که در سوره سجده آیه ۷ آمده است: آن کسی است که هر چه را آفرید، نیکو آفرید، و آفرینش انسان (اول) را از گل آغازید.^۴

و یا در سوره مرسلات ۵ (آیه ۲۱ و ۲۳) چنین آمده است: و آن را در جایگاهی استوار قرار داده‌ایم (که رحم مادر است و آن اندازه مناسب و جالب و عجیب است که هر انسانی را در شگفتی فرو می‌برد) - ما توانائی (این کار را) داشته‌ایم (که از نطفه ناچیز و حقیری چنان انسان شریف و کاملی بسازیم) و ما بهترین توانا بوده و هستیم.

سهم گذاران باید هر فعالیت در زندگی را با سرمشق گرفتن از آفرینش براساس معیار و رعایت تناسب و هماهنگی انجام دهند.

۱. وَ تَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَمْدًا وَ هِيَ تَمُوتُ مَرَّةً السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ. کوه‌ها را می‌بینی ، و آنها را ساکن و جامد می‌پنداری ، در حالی که مانند ابر در حرکتند این صنع و آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده او از کارهایی که شما انجام می‌دهید مسلماً آگاه است! (۸۸ سوره نمل)
۲. - الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ
۳. - السَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ. لَا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ۙ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ۙ ۱۰ وَ الْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنْعَامِ ۙ ۱۱ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَ النَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ. آسمان را برافراشت، و میزان و قانون (در آن) گذاشت. ۸- تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید). ۹- و وزن را بر اساس عدل بر پا دارید و میزان را کم نگذارید! ۱۰- زمین را برای خلائق آفرید. ۱۱- که در آن میوه‌ها و نخلهای پر شکوفه است.
۴. الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ
۵. فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ - فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ

ب- اصول مختص زوجیت

اصل انتخابگری لازمه تکوین بشر^۱: ما راه را برای او روشن نمودیم خواه سپاسگزار باشد یا پوشاننده (انسان ۳) پس انتخاب راه با رونده آن است. راه معیار مشخص شده است پس متفاوت از یک دیدگاه نسبیت گرایانه است. هر چند تشخیص و تطبیق با معیار به عهده انسان است. میل به امور مادی و محبت به فرزند و ثروت اندوزی محل آزمایش است تا چه کسی، چگونه انتخاب کند؟^۲ (آل عمران: ۱۴ / کهف: ۴۶).

انتخاب در همه ی امور و از جمله ازدواج و ارتباط باید با توجه به معیارهای روشن صورت گیرد.

اصل ارتباط لازمه تکوین بشر^۳: انسان برای رفع نیاز خود به میدان دعوت می شود و با آمدن به میدان خواستن و نخواستن را تجربه می کند، انتخاب در او شکل می گیرد و انسانی شدن در او تکوین می یابد. زن و مرد باید با قرار گرفتن در مسیر زندگی زن و شوهری وجود خود را گسترش دهند و از خودخواهی پرهیز کنند.

۱. وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ. و او را به راه خیر و شر هدایت کردیم! [بلد. آیه ۱۰].
۲. - زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْخَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ - « الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا »
۳. وَ مَا أَوْتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى أَ فَلَا تَعْقِلُونَ- آنچه به شما داده شده ، متاع زندگی دنیا و زینت آن است و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است آیا اندیشه نمی کنید؟! [قصص-آیه ۶۰].
مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُخْشَوْنَ. کسانی که زندگی دنیا و زینت آن را بخواهند ، (نتیجه) اعمالشان را در همین دنیا بطور کامل به آنها می دهیم و چیزی کم و کاست از آنها نخواهد شد! [آیه ۱۵.سوره هود]

مبنای سوم: پیوستگی و وسعت هستی^۱

هستی به وسعت غیب و شهادت است و تابعان این نوع هستی شناسی به پیوستگی و وسعت آن ایمان دارند. مگر کسانی که کافرند نمی‌دانند که آسمانها و زمین به هم چسبیده و پیوسته بودند و ما از هم جدایشان کردیم (انبیا ۳۰)^۲ (آیات ۲ تا ۵ بقره). آنچه در ظاهر با آن در تعامل هستیم در غیب معنی می‌شود لذا پرداختن به ظاهر صرف، فریب خوردن است. هیچ چیزی نیست مگر آنکه خزانه‌ها و اصل‌های آن نزد ماست و از آن فرود نمی‌آوریم مگر به اندازه معین (حجر ۲۱)^۳ فرمود زندگی دنیا جز لُهو و لعب چیزی نیست و سرای آخرت زندگی واقعی است اگر آنها می‌دانستند^۴ (عنکبوت: ۶۴). آنها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند و از آخرت غافلند^۵ (سوره الروم؛ آیه ۷).

۱. - الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَافُوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ^۴ همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی‌بینی! بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟ بار دیگر (به عالم هستی) نگاه کن، سرانجام چشمانت (در جستجوی خلل و نقصان ناکام مانده) به سوی تو باز می‌گردد در حالی که خسته و ناتوان است! (ملک ۳ و ۴) - وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ. و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد و خداوند با نیکوکاران است. [۶۹ / عنکبوت]. إِذْ يُرِيكُهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَأَيْتَهُمْ كَثِيرًا لَفُتِلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأُمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ. هنگامی که خداوند ایشان را به تو در خوابت اندک نمایاند و اگر بسیار نشان می‌داد هر آینه در کار اختلاف می‌کردید، لیکن خداوند (شما را) سلامت داشت که او دانا است به آنچه در سینه‌ها است. (انفال ۴۳). بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَ يَأْتُوَكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ. چرا اگر صبر کنید و پروا پیشه کنید و آنها به همین فوریت و جوش و خروش به شما روی آورند، پروردگارتان شما را با پنج هزار از فرشتگان نشاندار یاری می‌کند.

[۱۲۵ / ال عمران]

۲. - الْم ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ ۲ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۳ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ۴ أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۵

۳. و ان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم

۴. - وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

۵. - يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ

الف: اصول کلی آفرینش مرتبط با ازدواج

اصل حق، محور همگرایی^۱: مردم در آغاز یک دسته بودند بتدریج بین آنها اختلاف ایجاد شد. خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی را که به سوی حق دعوت می کرد نازل کرد تا در میان مردم در آنچه اختلاف داشتند داوری کند. خداوند آنها را که ایمان آورده بودند به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود به فرمان خودش رهبری نمود و خدا هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می کند ۲ (بقره ۲۱۳).

سهم گذاران در ازدواج و اعضای خانواده باید با توجه به ملاک واحد حق با هم اتحاد کنند. اصل قاعده مندی آفرینش: هر چیزی براساس اصول آفریده شده است. آیه (فصلت ۹-۳۱۴) پس در روابط موجود بین اجزای هستی قواعدی حاکم است که گریزی از آن نیست. سهم گذاران در ازدواج باید با قواعد هستی شناسانه ارتباط را بیاموزند و عمل خود را متناسب با این قواعد هستی بخش و گریزناپذیر هماهنگ سازند.

۱. إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ. همانا دین نزد خدا تنها اسلام است، و اهل کتاب در آن اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه به حقانیت آن یقین داشتند و خصومتی که در بین خود داشتند وادار به اختلافشان کرد و کسی که به آیات خدا کفر بورزد باید بداند که خدا سریع الحساب است. [۱۹ / ال عمران]. أَمْ حُكْمُ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ. آیا آنها حکم جاهلیت را (از تو) می خواهند؟! و چه کسی بهتر از خدا، برای قومی که اهل یقین هستند، حکم می کند؟! [۵۰ / مائده] أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ آیا خداوند بهترین داوران و حاکمان نیست؟! [۸ / تین]

۲. - كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

۳. قُلْ أَنتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۹ وَجَعَلَ فِيهَا رَواسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِلنَّاسِ لِلسَّائِلِينَ ۱۰ ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ۱۱ فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۱۲ فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثُودَ ۱۳ إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ۱۴

اصل نظارت: جهان و انسان پرتاب شده نیستند، رها شده نیستند^۱ بلکه همه چیز از جمله هر نوع عمل به عینه دیده می‌شود و حساب و کتاب می‌شود. خداوند آفرینش را آغاز می‌کند سپس آن را باز می‌گرداند سپس شما را به سوی او باز می‌گرداند^۲ (۱۰، روم) آن روز که قیامت برپا می‌شود، مجرمان در نومیدی و غم و اندوه فرو می‌روند^۳ (۱۱؛ روم) خداوند از غیب آسمانها و زمین را می‌داند و نسبت به آنچه انجام می‌دهید بیناست^۴ (حجرات؛ ۱۸)

سهم گذاران باید آمادگی پاسخ دهی به سئوال‌های روز جزا درباره رعایت حقوق یکدیگر باشند و بدانند که همه‌ی حساب‌ها در این مرحله از حیات تسویه نمی‌شود.

ب- اصول مختص زوجیت

درک اصل و فرع لایه‌های وجود: لازم است دانسته شود که پشت همه‌ی آیین‌ها معانی نهفته

۱. وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِنَبِّئُكُمْ أَنتُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ لَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّا مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ. و او همان است که آسمان‌ها و زمین را در حالی که تخت (سلطنت) او بر آب بود در شش روز (در مدتی مساوی با شش روز روشن یا شش شبانه روز یا شش دوران) بیافرید تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید. و اگر بگویید که شما حتما پس از مرگ برانگیخته می‌شوید، کسانی که کفر ورزیده اند خواهند گفت: این (گونه سخنان) نیست جز جادویی آشکار. [۷ / هود]. أَ فَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَ أَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ. پس آیا گمان کرده اید که شما را بیهوده آفریده ایم و شما هرگز به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟! [۱۱۵ / مومنون]. الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ لِنَبِّئُكُمْ أَنتُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ. همان که مرگ و زندگی را (برای شما آدمیان) پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید و اوست مقتدر شکست‌ناپذیر و آمرزنده. (۳) همان که هفت آسمان را طبقه‌هایی (روی هم) آفرید، هرگز در آفرینش خدای رحمان (از نظر زیبایی، استواری و اتقان صنع) تفاوت و ناهمگونی نمی‌بینی، پس بار دیگر بنگر آیا (در خلق اشیا) هیچ خلل و شکاف (و خلاف حکمت) می‌بینی؟ [۲ و ۳ / ملک]

۲. ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسَاؤُوا السَّوْءَ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ

۳. - اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

۴. - إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

است^۱ پی بردن به آن ضرورت پایداری ایمان و عمل است و آن تنها با تفکر در حکمت آفرینش ممکن است. چرخ با این اختران نغز خوش و زیباستی *** صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی صورت زیرین اگر با نردبان معرفت *** بر رود بالا همی با اصل خود یکتاستی صورت عقلی که بی پایان و جاویدان بود *** با همه و بی همه مجموعه و یکتاستی سهم گذاران باید بدانند که هر ارتباط لایه های متعددی دارد و تنها به ظاهر امور مشغول نشوند و به خاطر ظواهر حقایق ارتباط را ضایع نکنند. درک پیوستار زمان از طرف سهم گذار: زمان از هیچ چیز جدا نیست لذا درک این مسئله برای انسان حیاتی است که انسان در پیوستار زمانی است که از او جدا نشدنی است گذشته، حال، آینده، همه مهم است زیرا بر فکر، احساس و رفتار انسان مؤثر است و باید به آن توجه داشت همچنان که قرآن به زمان های متفاوت با معانی گوناگون قسم یاد می کند: قسم به عصر، قسم به شب، به روز، به قیامت (عصر ۱؛ فجر ۲؛ لیل ۲؛ شمس ۳ و)

زن و مرد سهم گذار باید متوجه باشند زمان ابدی نیست و فرصتها بی نهایت نخواهد بود. گذشته در حال جاری است و حال در آینده جاری خواهد بود و این همه هشدار به عمل صالح است.

درک بافت پرورش سهم گذار: تزوجوا فی الحجر الصالح فان العرق دسّاس^۲ در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است با خانواده شایسته ازدواج کنید؛ زیرا خصایص والدین و اجداد، به نسل بعد سرایت می کند. خداوند در قرآن به مکان هم قسم یاد می کند کوه طور (طور، ۱) دریای مملو (طور ۴ و ۱۵) مشارق و مغارب (معارج، ۴۰) بیت معمور (طور ۴) شهر مکه و (بلد ۱ و ۲) و

۱. الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. همانها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آن گاه که بر پهلو خوابیده اند، یاد می کنند و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند (و می گویند: بار الها! اینها را بیهوده نیافریده ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار!) [۱۹۱ / آل عمران]. قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِظٍ ۚ از پروردگارتان بصیرت ها به سوی شما آمده هر که بدید برای خویش دیده و هر که کور بوده به ضرر خویش بوده و من نگهبان شما نیستم. [۱۰۴ / انعام]

۲. مکارم الاخلاق، ص ۱۹۷؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۹۶؛ جامع الصغیر، ج ۱، ص ۵۰۵

بافتی که سهم گذار در آن پرورش یافته از شهر و خانواده و... بسیار مهم است. پس سهم گذاران باید انتخاب خود را با توجه به این اطلاعات انجام بدهد و در عمل متقابل باید آن را در نظر بگیرند و در پرورش فرزندان هم باید به آن توجه داشته باشند.

مبنای چهارم: مبنای هدفمندی^۱

خداوند آفرینش را آغاز می‌کند سپس آن را باز می‌گرداند سپس شما را به سوی او باز می‌گرداند^۲ (روم؛ ۱۰) ای انسان تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد^۳ (انشقاق؛ ۶). بار الها؛ اینها را بیهوده نیافریده ای^۴. (آل عمران؛ ۱۹۱). همه چیز در جهان هدفمند است از جمله انسان و اعمال آن و از جمله اعمال ازدواج و تشکیل خانواده

الف: اصول مختص زوجیت

اصل مشابهت نگاه سهم گذاران: نوع نگاه به جهان و موضع گیری در برابر حقیقت، نوع و میزان ارتباط را تعیین می‌کند. در آیه ۲۲۱ سوره بقره با صراحت از نکاح با مشرکان، شرط ازدواج و در آیه ۱۰ ممتحنه/۶۰ از پای‌بندی به پیوند ازدواج با زنان کافر نهی شده، و در آیه ۲۶ نور/۲۴ فرموده است: زنان خبیث و ناپاک از آن مردان خبیث و ناپاکند، و مردان ناپاک به زنان ناپاک تعلق دارند: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ...»، و در نقطه مقابل، زنان پاک به مردان پاک و مردان طیب به زنان طیب و پاک تعلق دارند.

زن و مرد در تعیین زوج خود باید نوع نگاه او را به خداوند، جهان و مردم مورد توجه

۱. أَ يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى. آیا انسان می‌پندارد که بیهوده و باطل رها می‌شود. [۳۶ / قیامه]. الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ. همان که مرگ و زندگی را (برای شما آدمیان) پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید و اوست مقتدر شکست‌ناپذیر و آمرزنده. [۲ / ملک]. صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ. به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانسان به آنها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز شاهد و

گواه است؟! [۵۳ / شوری]

۲. -مَنْ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُوا السَّوْأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ

۳. - يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ

۴. - الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

قرار دهد.

اصل هماهنگی نگاه سهم گذاران بر محور حق: زن و مرد سهم گذار باید میزان نزدیکی طرف خود را به خداوند در همه امور مورد توجه قرار دهد و با آگاهی کامل از آن وارد ارتباط شود.

اصل: نیت مداری^۱: ظاهر بسیاری از اعمال شبیه به یکدیگر است اما نیت افراد آن اعمال را از هم متمایز می سازد. باید توجه داشت مسوولیت افراد نه تنها در مقابل اعمال است بلکه نیت ها هم مورد سوال است

زن و مرد سهم گذار باید بیاموزد که خالص شود و درون و بیرون عمل را یکپارچه سازد. باید بیاموزد که آنچه در دل اوست بر عمل او اثر خواهد داشت.

۱. - قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا. بگو: «هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می کند و پروردگارتان کسانی را که راهشان نیکوتر است، بهتر می شناسد.» [۸۴ / اسراء] لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتَكْبَرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَنَبِّشِرِ الْمُحْسِنِينَ. نه گوشتها و نه خونهای آنها، هرگز به خدا نمی رسد. آنچه به او می رسد، تقوا و پرهیزگاری شماست. این گونه خداوند آنها را مسخر شما ساخته، تا او را بخاطر آنکه شما را هدایت کرده است بزرگ بشمرید و بشارت ده نیکوکاران را! [۳۷ / حج]. ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنًا نَّعَاسًا يَغْشَىٰ طَائِفَةً مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ. آن گاه پس از اندوه، آرامشی به صورت خوابی سبک بر شما فرود آورد که گروهی از شما را فرا می گرفت، و گروهی همتشان جان خودشان بود، درباره خدا گمان ناحق، گمان دوران جاهلیت می بردند، (در ظاهر به تو) می گفتند: آیا از این امر (پیروزی) چیزی برای ما هست؟ بگو: مسلماً کارها یکسره مربوط به خداست. آنان در دل هایشان چیزی را پنهان می کنند که برای تو آشکار نمی سازند، (در دل یا میان خودشان) می گویند: اگر (و عده ها راست بود و) برای ما از این امر (پیروزی) چیزی بود ما در اینجا کشته نمی شدیم! بگو: اگر شما در میان خانه های خود هم بودید بی تردید کسانی که کشته شدن بر آنها (در لوح محفوظ) نوشته و مقرر شده بود به سوی خوابگاه های خود (در معرکه جنگ) بیرون می آمدند (تا تقدیر خدا تحقق یابد) و تا خدا آنچه را در سینه های شماست (نیت های شما را) بیازماید و آنچه را در دل های شماست (ایمان شما را) خالص گرداند، و خدا به آنچه در سینه هاست (به نیت های شما) داناست. [۱۵۴ / آل عمران]

مبنای پنجم: زوجیت^۱

زوجیت قاعده آفرینش است. از هر چیز یک جفت آفریدیم. شاید متذکر شوید^۲ (ذاریات؛ ۴۹)

الف: اصول محوری زوجیت

اصل ایجاد آرامش: ^۳همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار هم آرامش یابید^۴ (روم، ۲۱)

سهم گذار باید بیاموزد که هماهنگ با هدف آفرینش باید موجب آرامش شریک زندگی خود باشد.

سهم گذار می‌آموزد که در راستای یکپارچگی آفرینش باید به قرار مکین وفادار باشد. سهم گذاران می‌آموزند همان گونه که بهترین آفریدگار را دارد که همسری را بهترین، محل رشد و شکوفایی قرار داده است باید بهترین‌ها را در شراکت خود لحاظ کند و سهم گذار خوبی باشد.

اصل ایجاد مودت و رحمت: و در میانان مودت و رحمت قرار داد در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر کنند^۵ (روم، ۲۱). در واقع هرچند ازدواج دارای کارکرد رفع

۱. وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانان مودت و رحمت قرار داد در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند! [۲۱ / روم] أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ. آیا آنان به زمین نگاه نکردند که چقدر از انواع گیاهان پرارزش در آن رویاندیم؟! [۷ / شعراء]

۲. - وَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ
۳. وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانان مودت و رحمت قرار داد در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند! [۲۱ / روم] هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ۹۸۱. او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید. سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت، که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می‌داد و چون سنگین شد، هر دو از خداوند و پروردگار خود خواستند «اگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران

خواهیم بود!» [اعراف / ۱۸۹]

۴. - وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ
۵. - وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

نیاز جنسی طرفین را دارد اما خود آن هدف نیست بلکه در حقیقت آرامش، و رشد مودت و رحمت که در نهایت همه جامعه را در بر میگیرد هدف اصلی آن را تشکیل میدهد. سهم گذاران می آموزند که مودت با توجه به شرف متعلق آن ارزش می یابد. پس از شور و و شوق دوستی و دوست داشتن؛ دلسوزی و رحم بر ناتوانی ها و کاستی های یکدیگر ضرورت می یابد تا از طریق آن قانده ی پیوستگی هستی دست به دست در جریان ارتباط انسانی نیز جاری شود.

اصل رعایت نقش زوجی^۱: در ازدواج هر جنس نقش خود را دارد ایجاد و حمایت از مرد و پرورش دهندگی و وسعت بخشی از زن. " زنان شما محل بذرافشانی شما هستند پس هر زمان که بخواهید می توانید با آنها آمیزش کنید و " اما این همه کار نیست نهایتا این تولید

۱. الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالْصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ أَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا. مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می کنند. و زنان صالح، زانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می کنند. و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد،) در بستر از آنها دوری نمایید! و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود،) آنها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجوید! (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرتهاست. [۳۴ / نساء]. أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمَ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تُخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَ عَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَ ابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَ لَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۷۸۱.. آمیزش جنسی با همسران، در شب روزهایی که روزه می گیرید، حلال است. آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید). خداوند می دانست که شما به خود خیانت می کردید (و این کار ممنوع را انجام می دادید) پس توبه شما را پذیرفت و شما را بخشید. اکنون با آنها آمیزش کنید، و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته، طلب نمایید! و بخورید و بیاشامید، تا رشته سپید صبح، از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد! سپس روزه را تا شب، تکمیل کنید! و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته اید، با زنان آمیزش نکنید! این، مرزهای الهی است پس به آن نزدیک نشوید! خداوند، این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می سازد، باشد که پرهیزکار گردند! [۱۸۷ / بقره]

باید به یک اثر نیک بیانجامد" اثر نیکی از پیش برای خود بفرستید^۱ (بقره؛ ۲۳۳)

زن و مرد سهم گذار می‌آموزند که هر یک باید نقش خود را و نقش یکدیگر را در جایگاه هستی بشناسد. زن و مرد سهم گذار می‌آموزند که با ازدواج دوره خودمیان بینی پایان می‌یابد و چرخهی ارتباط باید گسترش یابد و هر دو باید برای گسترش این چرخ بهترین سهم متناسب با موقعیت خود و هدف آفرینش خود را به میان آورد.

اصل زوجیت به اذن الله^۲: ازدواج دارای محدودیت‌ها و وضعیتهای خاصی است که حدود آن از جانب خداوند معین شده است. پس همچنان که هر عملی باید متناسب با دستورات الهی باشد تا به سعادت بشر کمک کند، در ازدواج نیز باید حدود الهی را در نظر گرفت^۳.

زن و مرد سهم گذار می‌آموزند در این پیوند و پیمان بسیاری نعمات و رشد و شکوفایی و البته بر قاعده «ان مع العصر یسری» محدودیت‌های ویژه‌ای در پیش است و آنچه آنها

۱. - وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمَّ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

۲. إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَى وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَ تَبْرِئُ الْأَكْمَامَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (سوره مائده).

۳. خداوند می‌فرماید: وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ... با زن پدرتان ازدواج نکنید مگر آن چه پیش‌تر رخ داده است؛ زیرا کاری ناپسند و مایه خشم خداوند است و عملی بسیار زشت است. حرام شد برای شما ازدواج با مادر و دختر و خواهر و عمه و خاله و دختر برادر و دختر خواهر و مادران رضاعی و خواهران رضاعی و مادر زن و دختران زنی که در دامن شما پرورش یافته‌اند، اگر با زن مباشرت کرده باشید و اگر نزدیکی نکرده‌اید و طلاق دهید، مانعی نیست که با دختر خود او ازدواج کنید. هم چنین ازدواج با زن فرزندان صلبی و جمع میان دو خواهر حرام است. مگر آن چه پیش از نزول این حکم رخ داده، زیرا خداوند بخشنده و مهربان است. ازدواج با زنان شوهر دار حرام است، مگر آن زنان که مالک شده‌اید. این فریضه‌ای الهی است که بر شما مقرر گردیده و هر زنی جز آن چه گفتیم، حلال است که با اموال خود به زناشویی بگیری در صورتی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید - پس اگر شما از آنان بهره‌مند شوید، حق معینی را که مهرشان است، به ایشان پردازید و بر شما باکی نیست که پس از تعیین مهر نیز به چیزی با هم تراضی کنید. البته خدا دانا و بر حقایق امور جهان آگاه است - نساء، آیات ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ به دلیل طولانی بودن آیه، تنها ترجمه آن‌ها آمده است.

انتخاب می کنند باید به اذن الله باشد تا در جهت و جریان پر شور هستی و مسیر الی الله قرار گیرند.

اصل هماهنگی با قواعد کلی آفرینش: همه آفرینش مبتنی بر میزان و معیار صورت گرفته است. لذا انسان هنگامی سعادتمند خواهد بود که بر مبنایی هم آهنگ با آفرینش عمل نماید.^۱
زن و مرد سهم گذار می آموزند که هر چیز در هستی از جمله حیات انسانی دارای معیار و ملاک، زمان و مکان، بافت و اصل و فرع مشخصی است.

۱. - قَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَن يَتَوَلَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۶) عَسَى اللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُمْ مَّوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۷) لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (۸) إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۹) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُم أَن تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُفَّارِ وَاسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلْيَسْأَلُوا مَا أَنْفَقُوا ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۰) وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَقَبْتُمْ فَأَتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِّثْلَ مَا أَنْفَقُوا وَآتَقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (۱۱)* همانا برای شما در روش آنان، (ابراهیم و یارانش) سرمشق خوبی است برای کسی که به خدا و روز واپسین امید دارد و هر کسی روی برتابد، خداوند بی نیاز و ستوده است. ۷* امید است که خدا میان شما و کسانی که با آنان دشمنی داشتید، (به واسطه اسلام آوردن آنان در فتح مکه) دوستی برقرار کند و خداوند توانا است و خداوند بخشنده مهربان است. ۸* خداوند شما را از نیکی و عدل نسبت به کسانی که با شما به خاطر دین جنگ نکرده و شما را از خانه هایتان بیرون ننموده اند منع نمی کند. همانا خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. ۹* جز این نیست که خداوند شما را از دوستی و رزیدن با کسانی نهی می کند که به خاطر دین با شما جنگیده و شما را از سرزمین خود بیرون رانده اند و یا در اخراج شما همدستی کرده اند و هر کس با آنان دوستی ورزد، پس اینان همان ستمکارانند. ۱۰* ای کسانی که ایمان آورده اید هرگاه زنان مؤمن (از شوهر کافر جدا شده) هجرت کنان نزد شما آمدند آنان را (از نظر ایمان) آزمایش کنید و خداوند به ایمان آنان آگاه تر است. پس اگر آنان را مؤمن تشخیص دادید، به سوی کفار بازنگردانید، نه اینان برای آنان حلالند و نه آنان برای اینان حلال و آنچه را که شوهران کافر برای این زنان پرداخت کرده اند (از قبیل مهریه) به آنان بپردازید و بر شما گناهی نیست که با اینان ازدواج کنید به شرط آن که مهریه آنان را بپردازید و همسران کافره را به همسری نگاه ندارید و آنچه از برای آنان پرداخت کرده اید از کفار بگیرید همان گونه (اگر زن، مسلمان شده و به شما ملحق می شد)، هزینه هایی را که شوهران کافر پرداخت کرده بودند باید از شما درخواست نمایند. این حکم الهی است که خداوند میان شما مقرر داشته و خداوند آگاه حکیم است. ۱۱* و اگر از همسرانی که به سوی کفار رفته اند، چیزی از شما فوت شد (و شما نتوانستید مال و مهریه ای که پرداخت کرده اید، از کفار دریافت کنید) پس آنان را تعقیب کرده و به چیزی رسیدید، به آنان که همسرانشان رفته اند معادل آنچه خرج کرده اند بپردازید و از خدایی که به او ایمان دارید پروا کنید. (القلعه آیه ۶ تا ۱۱)

اصل دوستی بر مبنای حق: همانطور که هر عملی باید مبتنی بر هماهنگی با حق باشد، دوستی در ازدواج و اصولاً خود ازدواج بایستی با توجه به حق صورت گیرد.^۱

سهم گذاران می‌آموزند که دوستی با منطق شخصی و با معیارهای متفرق نمی‌تواند مبنای یک رابطه مستمر و مطمئن باشد و زن و مرد باید بر محور حق دوست بدارند تا اطمینان و امنیت در زندگی حاکم شود.

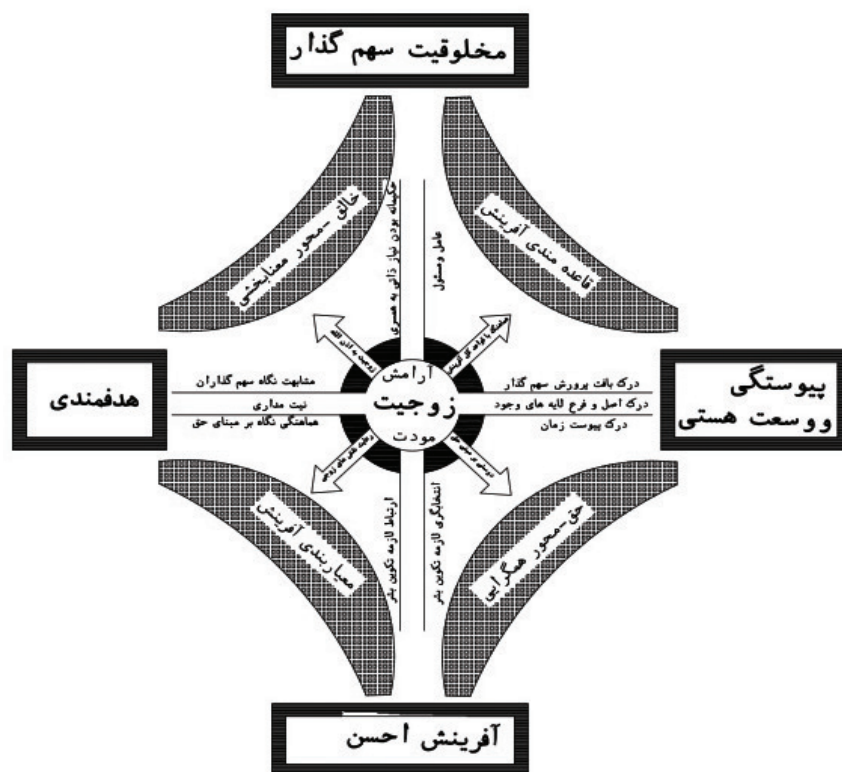
۱. وَ لَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَ لَا أَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَ لَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَ لَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَ لَوْ أُعْجِبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَ يُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ - با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان آورند و یک کنیز با ایمان بهتر است از خانمی مشرک هر چند آن خانم مورد شگفت و خوشایندتان باشد و با مردان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان آورند که یک برده مؤمن از آقای مشرک بهتر است هر چند که مورد شگفت و خوشایند شما باشد آری مشرکین شما را به سوی آتش دعوت می‌کنند و خدا به سوی جنت و مغفرتی به اذن خود می‌خواند و آیات خود را برای مردم بیان می‌کند تا شاید متذکر شوند (۲۲۱، بقره) - الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَ طَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلٌّ لَكُمْ وَ طَعَامُكُمْ حَلٌّ لَهُمْ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَ لَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده و (همچنین) طعام اهل کتاب ، برای شما حلال است و طعام شما برای آنها حلال و (نیز) آنان پاکدامن از مسلمانان ، و آنان پاکدامن از اهل کتاب ، حلالند هنگامی که مهر آنها را بپردازید و پاکدامن باشید نه زناکار ، و نه دوست پنهانی و نامشروع گیرید. و کسی که انکار کند آنچه را باید به آن ایمان بیاورد ، اعمال او تباه می‌گردد و در سرای دیگر ، از زیانکاران خواهد بود (آیه ۵ سوره مائده). لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَ يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ۲۸ قُلْ إِنْ تُحِبُّوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْذَرُوهُ يُعَلِّمَهُ اللَّهُ وَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان ، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند و هر کس چنین کند ، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد (و پیوند او بکلی از خدا گسسته می‌شود) مگر اینکه از آنها بپرهیزد (و به خاطر هدفهای مهمتری تقیه کنید) . خداوند شما را از (نافرمانی) خود ، بر حذر می‌دارد و بازگشت (شما) به سوی خداست. بگو: «اگر آنچه را در سینه‌های شماست ، پنهان دارید یا آشکار کنید ، خداوند آن را می‌داند و (نیز) از آنچه در آسمانها و زمین است ، آگاه می‌باشد و خداوند بر هر چیزی تواناست. (۲۸-۲۹ سوره آل عمران). يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمُ بِالْمُودَةِ وَ قَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَ يُبَايِعُكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمُ بِالْمُودَةِ وَ أَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَ مَا أَعْلَنْتُمْ وَ مَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ - ای کسانی که ایمان آورده اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می‌کنید ، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده اند و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می‌رانند اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده اید (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید!) شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می‌کنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می‌سازید از همه داناترم! و هر کس از شما چنین کاری کند ، از راه راست گمراه شده است!

در واقع کارکردهای ازدواج را می توان در دو محور خلاصه کرد:

۱- آرامش شخصی و اجتماعی : جهت یابی- سامان یابی- رفع نیاز(مادی، جنسی و عاطفی) از اشخاص و برقراری امنیت در جامعه

۲- تولید و توسعه: تربیت انسان مطمئن سالم- تربیت شهروند خوب- تربیت انسان جهانی خوب

در اینجا رابطه مفهومی گزاره های مبنایی و اصولی در یک طرح مفهومی ارائه می شود.



۱- مخلوقیت سهم گذار: قانون سعادت از جانب خالق می‌آید و توجه کلی به رابطه اساسی دیدگاه هستی‌شناسانه و زندگی روزانه است

۲- آفرینش احسن: هر چیز در بهترین شکل خود آفریده شده و عمل انسان باید با توجه به بهترین صورت گیرد.

۳- پیوستگی و وسعت هستی: انسان جزئی از یک کل بزرگ است و توجه به ارتباط نقش جریان پیوسته هستی بر فعالیتهای روزانه بشر از جمله جریان زندگی خانوادگی است.

۴- هدفمندی: آفرینش هر ذره هدفمند است.

پس از بررسی مبانی و اصول الگوی پیشنهادی اگر بخواهیم انواع درمان در حیطه جان را بر یک محور طبقه‌بندی کنیم، خواهیم دید درمان‌های مربوط به حیطه جان یا درون شخصی و یا بین شخصی است.

درمان‌های درون شخصی به فرایندهای درونی یک شخص متمرکز می‌شود و تعریف مسئله و حل آن را در فرایندها و محتوای درون شخصی جستجو می‌کند و درمانهای بین شخصی مسئله و حل آن را در فرایندهای ارتباطی مورد بررسی قرار می‌دهد. هر چند جداسازی این دو حیطه از یکدیگر عملاً غیرممکن است و همه عالمان این حیطه به تاثیر و تاثر آنها بر یکدیگر اذعان داشته‌اند اما از جهت شناخت بهتر حیطه‌ها، بررسی تفاوت روندها و فرایندهای طی شده در مسائل به گونه‌ای درون شخصی و بین شخصی لازم به نظر می‌رسد. با توجه به مبانی و اصول مطرح شده انسان سالم و غیر سالم بر پیوستاری از تأله قرار خواهد داشت زیرا انسان سالم کسی است که ۱- دارای شناخت صحیح از خود، جهان و خالق خود و هدف آفرینش است. ۲- دارای عواطف و هیجان مناسب با اهداف آفرینش است ۳- دارای عمل مناسب با شناخت و عواطف خدا محور است. مشخصه شناخت صحیح در قرآن کریم شناخت پیوستار مبدأ تا معاد است. آنها که شناخت صحیحی از اصل و فرع دارند در تبعیت از حق و انعطاف در مقابل آن، به اشتراک گذاشتن و به نوعی سهمگذاری وجودی پیشی گیرنده‌اند.

انسان هم فاعل شناسای هستی است و هم خود بخشی از هستی است. در طول تاریخ فعالیت یافتن شناخت نسبت به هستی خود یکی از موضوعات محوری و اساسی انسان بوده

است. گویی انسان شناخت همه چیز را به خاطر شناخت خود دنبال می کند. انسان موجودی است که در نیازمندترین شکل به دنیا می آید و به نظر می رسد تنها موجود جاننداری است که برای ورود به دنیا و ماندن در دوره اولیه زندگی خود نیاز حتمی به مراقبت دارد. تاریخ نشانی از یک بشر بدون مراقبت حتی مراقبت حیوانات ندارد. به این دلیل به نظر می رسد بشر همواره در دل خانواده حضور یافته است و نهاد خانواده مقدم بر زندگی شخصی اوست.

به این ترتیب چنانچه از برهان خلف استفاده کنیم، باید اینطور فرض کنیم که خانواده ابتداییترین نهاد اجتماعی است که تاریخی به قدمت خلقت انسان دارد. از آن زمان که انسان براساس تنوع یا تبدل- هر کدام از نظریات که در نهایت بتواند درستی خود را به اثبات برسانند- تولدی با خصوصیت بشری یافته، نیازمند مراقبت در بستر یک ساختار با خصوصیت خانواده بوده است. زیرا هم برای تشکیل نطفه خود نیازمند یک واحد دو نفره از زن و مرد و هم برای ادامگی حیات نیازمند مراقبتی از نوع بشری بوده است تا بتواند همه ویژگیهای بشری خود را به منصف ظهور برساند. یافته های روان شناختی مواردی که در جنگل یافت شده است، نشان می دهد، پرورش در محیط غیر انسانی عدم رشد تواناییهای انسان را در بر دارد.

زیرا موارد یافت شده هرچند براساس مراقبتهای اولیه حیوانات (شاید*) زنده مانده اند اما نتوانسته اند همه ابعاد وجودی خود را به عنوان یک بشر به ظهور برسانند. بر اساس برهان خلف اگر انسان امروز توانسته است این چنین باشد لازمه اش وجود خانواده و ارتباطات پیچیده آن در مبداء تاریخ است.

در بررسی محققانه هر حیطه از هستی باید ابتدا به تعریف موضوع آن پرداخت لذا با مقایسه کوتاهی از تعاریف خانواده در چهار پارادایم به ارایه تعریف خود می پردازم.

تعریف خانواده در پارادایمهای مختلف

پارادایمها	تعریف خانواده
اثبات گرایی	خانواده چیزی بیش از مجموعه افرادی است که در یک فضای مادی و روانی بسر می‌برند. خانواده یک منظومه اجتماعی است که دارای قواعد و اصول خاص خود است. اعضای این منظومه نقش‌های معین و تعریف شده‌ای دارند (شاپیرو، ۲۰۰۷). خانواده مجموعه پیچیده‌ای است از انواع روابط، روندها و پدیده‌های مختلف. به عبارت دیگر خانواده نظامی است از حیات اجتماع که در آن مناسبات جسمانی، روانی، اقتصادی، اخلاقی و فرهنگی با هم گره خورده و مجموعه یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهند. (موراک، ۲۰۱۰).
پست مدرنیسم	خانواده به معنای گزینه‌ای از گزینه‌های موجود برای زیستن است و نه یک نیاز برای بقای خود و کودکان (ریبرگ و همکاران، ۲۰۱۴). خانواده در این پارادایم فاقد تعریف مشخص است و از نظر گروه‌های فرهنگی مختلف تعاریف متفاوتی دارد. حصول به یک اتفاق نظر درباره ساختار متشکله یک خانواده، دشوار است (گلادینگ، ۲۰۱۲).
برساختگرایی اجتماعی	«خانواده» یعنی مجموعه‌ای از افراد که تحت تاثیر ایدئولوژی‌ها و یا گفتمان‌های غالب جامعه‌ای که در برهه‌ای از آن زندگی می‌کند، قرار دارد. (بولمبرگ و میلر، ۱۹۹۰، ماسنی، ۱۹۷۷).
عملگرایی (قرادادی)	از دیدگاه آتال (۲۰۰۸) خانواده به عنوان مجموعه‌ای از نقش‌ها و پایگاه‌هایی که دارای روابط متقابل نسبتاً پایدار با یکدیگر هستند که به منظور رفع نیازهای درونی تشکیل ساختی با نام خانواده داده‌اند.

با توجه به مجموع مباحث انجام شده و در نظر گرفتن حیطه‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی و روش‌شناسی، تعریفی که من برای خانواده پیشنهاد می‌کنم عبارت است از:

«خانواده نهادی است که با سهم‌گذاری عاطفی و حمایتی یک زن و مرد براساس یک نیاز فطری تشکیل می‌شود و طی فرایندهای تبادلی با نظامهای جهان‌شناختی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی خود گسترش و تکوین می‌یابد».

ارکان این تعریف که آن را متمایز از دیگر تعاریف می سازد عبارت است از:

تاکید بر مفهوم سهم گذاری عاطفی و حمایتی

این مفهوم همانطور که نحوه شکل گیری یک خانواده را مشخص می نماید و اشاره به وجود یک قرارداد دارد. نحوه تداوم، سلامت و آسیب آن را نیز مشخص می نماید. سهم گذاری لازمه شروع و تداوم یک زندگی است و وجه آسیب شناختی این قرارداد هم مشخصاً زمانی خواهد بود که طرفین به سهم خواهی رو بیاورند. لازمه رشد چنین سیستمی مشخصاً توسعه سرمایه گذاری و سهم گذاری است. از آنجا که سهم گذاری عاطفی و حمایتی لازمه این قرارداد است لذا رضایت شخصی طرفین یک اصل غیرقابل تغییر است. تاکید بر مفهوم سهم گذاری در قرار ازدواج حقوق متقابلی را به دنبال می آورد و در نتیجه توجه به مبانی هستی شناسی حقوق در این نوع تبیین خانواده اهمیت دارد. اما مبانی هستی شناسی حقوق عبارتند از: اعتبارات دینی: قوانین و مقررات یا ریشه تکوینی دارند یا اعتباری. دین اسلام از پشتوانه تکوینی برخوردار است. این پشتوانه به گونه ای است که همه بخش های عقاید، اخلاق، حقوق و فقه را زیر پوشش خود قرار می دهد به این معنا که در آن سوی احکام و تعالیم دینی، حقایق تکوینی قرار دارد و هر چیز در دین منشاء عینی دارد. حقوق و قوانین اسلامی دارای ضمانت اجرایی اخروی است. بدون ایمان به خدا و فطرت الهی در ساحت قانون گذاری هیچ ضامن اجرایی قابل اعتمادی وجود نخواهد داشت. زیرا در این روش ضمانت اجرای قوانین می بایستی از درون خود انسان بجوشد و تنها راه دستیابی به این عامل بازدارنده، ایمان به روز حساب است. مالکیت الهی: انسان برای برقراری ارتباط با جهان خارج از خود، اعم از انسان های دیگر یا موجودات و اشیاء به دلیل وابستگی وجودی آن نیاز به اذن الهی دارد.

آزادی: در حقوق اسلامی هر چیز که عزم و اراده آزادانه انسان ها را محدود سازد، ممنوع است بر خلاف حقوق غربی که موانع به فعلیت رسیدن آزاد هواهای نفسانی را محدود می سازد. «در حقیقت در اینجا آزادی مبتنی بر تعقل است و آنجا بر خواسته های نفسانی».

محدوده آزادی: آزادی در نظام تکوین بر مدار «علیت» استوار است. و انسان نمی تواند خارج از مدار علیت اثری ایجاد کند.

رکن دوم این تعریف؛ فطری بودن نیاز تشکیل خانواده است و این نیاز هر دو طرف است که چون فطری و ذاتی دو طرف است برتری هیچ یک را بر نمی‌تابد و یک قرارداد «بُرد- بُرد» را برای دو طرف تعریف می‌کند.

در هستی‌شناسی اسلامی اصولاً همه چیز زوج آفریده شده است از جمله انسان‌ها و چون نیاز ذاتی دو طرف است، هیچ یک در این نیاز تحقیر نمی‌شود. هیچ کدام هم برتری ندارد. هر دو به هم نیاز دارند و این کشش ذاتی سرمایه‌ای است که هر دو طرف به اشتراک می‌گذارند تا بنیاد یک خانواده شکل بگیرد.

رکن سوم این تعریف؛ وجود یک زن و یک مرد است. لذا خانواده هر چند ممکن است در ادامه عضوی را از دست بدهد ولی تنها با وجود یک زن و مرد شکل می‌گیرد و ارتباطات دیگر در قالب خانواده ایجاد می‌شود.

وقتی خانواده بر محور هستی‌شناسی واقع گرا تعریف می‌شود، تنها شکل ازدواج پذیرفته شده؛ شکل مبتنی بر خلقت است که یک زن و یک مرد را در بر می‌گیرد.

اما در رکن چهارم این تعریف؛ خانواده تحت تاثیر ارتباط با نظامهای مختلف محیط بر خود به گسترش یک نظام جهان‌بینی خاص، پرداخته و براساس نظام‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جاری تکوین یافته و متقابلاً در تمام این سیستمها موثر واقع می‌شود و طی این چرخه انسان و اجتماع بع شعبات متمایز و به تعبیر قرآن قابل تشخیص تبدیل می‌شود.

وجه تسمیه سهم‌گذاری این است که زندگی خانوادگی با عقد یک قرارداد، یک شراکت برای هدفی والا تشکیل می‌شود و تداوم هر نوع قراردادی به ماندگاری سهم‌طرفین و افزایش سوددهی آن است و آنچه به آن آسیب می‌زند، نفع طلبی طرفین است. زندگی تا زمانی ادامه خواهد یافت که سهم‌گذاری یک اصل باشد، یک منش و یک روش و نه سهم‌گیری که همان منفعت طلبی است و نه سودخواهی.

هدف اصلی در الگوی مشاوره‌ای سهم‌گذاری

* تغییر از نقطه سهم‌گیری و بهره‌وری از جهان به نقطه سهم‌گذاری در جهان و خانواده
پیش‌فرضهای مورد استفاده در این الگو عبارت بودند از:

مخلوقیت سهم گذار

عاملیت سهم گذار

مسئولیت سهم گذار

ذاتی بودن نیاز همسری در سهم گذاری

ذاتی بودن نیاز به ارتباط در سهم گذاری

ذاتی بودن نیاز به آرامش و مودت

ذاتی بودن اختیار سهم گذار

و فرایندهای آگاهی بخشی مورد استفاده در این الگو عبارت بودند از:

ایجاد آگاهی هستی محور: لزوم به اذن الله بودن ازدواج- لزوم هماهنگی با هدف کلی

آفرینش- لزوم رابطه مبتنی بر حق- لزوم رعایت نقش های زوجی

ایجاد آگاهی انتخاب محور: لزوم مشابعت نگاه به هستی- لزوم هماهنگی در نگاه به

هستی- لزوم مشترک بودن اهداف- لزوم درک اصل و فرع

ایجاد پیش آگاهی: درک تاثیر پیوستار زمان- درک بافت پرورش سهم گذار

ایجاد آگاهی جاری و دایمی: درک نظارت دائم خالق در هستی- درک وجود غیب و قیامت

و فنون ارتباط با مراجع که با توجه به قرآن کریم در الگوی سهم گذاری مورد استفاده

قرار می گیرد نیز عبارت بودند از:

سخنرانی (۱۲۵.سوره نحل)

آموزش گفتگوی موثر-مباحثه (۹۲.سوره ص)

عمق بخشی با پرسش و پاسخ (۲۱۵مجادله- ۱۲۵ سوره نحل)

تصویرسازی ذهنی (۱۱ سوره حجرات)

آگاه سازی با مقایسه (۳۴ فصلت)

آگاه سازی با تمثیل (۲۷ سوره زمر- ۴۵ سوره کهف)

حساس سازی میل به محبوبیت (۱۰۷سوره نساء)

حساس سازی میل به سعادت (۱۳۴ سوره نساء)

ایجاد پیوستار بیم و امید به طور همزمان (۱۱۰ سوره نساء)

ایجاد استعلاء (سوره نساء)

یادگیری نقش (سوره توبه)

بذرپاشی عاطفی و آگاهی بخشی

تصویرسازی اجتنابی و تشویقی

بیرونی و قاعده سازی مشکل

خروج بحث‌ها از هیجانی به شناختی

توقف چرخه درگیری

آموزش رحمت

مقایسه نقش

خوداندیشی

مواجهه

و مراحل درمان در این الگو عبارت بودند از:

ایجاد رابطه ی من-تویی



ارزیابی زمینه های هستی گرایانه به ازدواج و خانواده



ایجاد یک گفتگوی منطقی مبتنی بر هستی گرایی مراجع



استخراج اصول عملی از پیش فرضهای



بررسی نتایج عملی



تصحیح و تغییرات احتمالی



تمرین و بررسی مجدد تغییرات زمینه های هستی گرایانه به ازدواج و خانواده

با توجه به مبانی و اصول مطرح شده، به ارائه مورد پژوهی پرداخته می شود
پس از مطالعه پاسخ نامه تفصیلی اعضای خانواده که هفته قبل از ورود به جلسه درمان پر
شده است خانم ۴۰ ساله (ماتو و شال نسبتاً باز) و آقا ۴۳ ساله (با موهای جوگندمی و لباس
معمولی) وارد می شوند. ابتدا خانم وارد می شود و بعد آقا پشت سر آنها یک پسر جوان به نام
ناصر ۱۷ ساله (با لباس معمولی و نه چندان به روز) می آیند. خانم روبروی من می نشیند. ناصر
کنار پدرش می نشیند و بسیار آرام و مودب رفتار می کند.

پس از احوالپرسی و برقراری ارتباط معمول:

مشاور: خب نوشته اید که هر دو معلم هستید و ناصر سوم دبیرستان. لایلا خانم می توئم
نوشته های شما را بلند بخونم؟

لایلا: بله

مشاور: نوشتید که دنیا از نظر شما کوچک و مسخره است و شما در آن زندانی هستید.

لایلا: بله

مشاور: آقا مسعود شما اجازه می دهید؟

مسعود: بله

ناصر: منم موافقم

مشاور: خب شما فکر می کنید دنیا محل ابهام است و معلوم نیست خدا چرا آنقدر اونو
طولانی آفریده

ناصر: من نوشتم که اگر مامان، بابای من دنیا را تاریک نکنند، همه چی خوبه

مشاور: با لبخند؛ می بینم مامان بابا شما را پر نشاط و شاد و امیدوار پرورش دادند (بذرپاشی)

ناصر: بله ولی نمی دونم خودشون چرا همیشه وسط دریا در حال غرق شدن هستند!؟

مشاور: خب ما با صحبت کردن بیشتر همه چیز را (با مکث)، نه خیلی چیزها رو می فهمیم

(شروع تفکر تحلیلی).

مادر: شب دراز، ناصر فکر می کنه همه چی آرومه. هر چقدر می خوام بهش بفهمونم که
دنیا اونطور که او فکر می کنه، گل و بلبل نیست. می گه سخت می گیری، البته ناصر خیلی پسر
خوبی هست و اصلاً ناصر ما رو وادار کرد برای مشاوره بیایم خدمت شما.

مشاور: با تحسین ناصر رو نگاه می‌کنه و لبخند می‌زنه (اتحاد درمانی)
پدر همچنان ساکت است

و مادر ادامه می‌دهد: می‌دونید هر کس توی زندگی مشکلاتی داره.

مشاور: بله واقعا درست فرمودید هر کسی در زندگی با مشکلاتی روبرو می‌شود (تاکید بر قاعده).

لیلا: بله اما گاهی ما خودمون مشکل درست می‌کنیم. اصلاً خودمون مشکلیم

مشاور با حالت تعجب و سؤال

لیلا: ببینید مسعود وقتی بچه بوده خواهر پدرش یعنی عمه مسعود را که ازدواج نکرده بوده می‌یاره خونشون و مسعود خیلی باهاش خوب بوده، حالا پدر و مادر مسعود مردن ولی عمه اش زنده است و مسعود اونو آورده پیش ما و این منو ناراحت می‌کنه، خسته شدم ۲ ساله پیش ماست. ۸۰ سالشه، حالا اومدیم تا ۱۰۰ سالگی موند من باید بیست سال دیگر این وضع را تو زندگی تحمل کنم!

مسعود آهی میکشد و او را نگاه می‌کند و می‌گوید: بفرمایید به خدا که اونو زودتر مرخص کنه که شما راحت بشین

ناصر باز شروع شد. بابا حالا معلوم نیست که من زودتر از همه نمیرم همیشه مشکل ما خانم دکتر. بحث ما همیشه همینه.

مشاور با خنده: خب اشکال نداره همه نظراتشونو می‌دن من الان جند تا نظریه از صحبت‌های شما در آوردم: ۱- مادر عمر عمه خانم را تخمین زدند! ۲- پدر خداوند را حرف گوش کن معرفی کردند. ۳- شما به اینکه همه چیز دست خداست و عمر آدمها قابل پیش بینی نیست اشاره کردید.

خداایش خانواده فرهنگی هستید! (خروج بحث‌ها از عاطفی به شناختی-ایجاد تفکر و تأمل از طریق شوخی-اتحاد درمانی مشاور و اعضا با یکدیگر از طریق به موضوع واحد اندیشیدن).

مسعود می‌گوید: خانم بده‌کارم. عمه ام منو بزرگ کرده. بیشتر از مادرم، دوستم و هر کس دیگری به من خدمت کرده و حالا هیچ کس رو توی دنیا نداره، چکارش کنم؟ ببرم

کهریزک بندازمش، شرمم می یاد از خودم.
مشاور غمگین او را نگاه می کند (همدلی و آموزش رحمت)
لیلا سرشو می اندازه پایین
ناصر کمی تند مادر را ورنده می کند.
مشاور: خوبه شما از قول لیلا خانم دارید حرف می زنید؟ فکر کنم شما می خواهید بگین
لیلا می خواد یک پیرزن رو از خونه بیرون کند اونم پیرزنی که شما را یزرگ کرده؟ بله؟
من اگر جای لیلا باشم خیلی از دست شما ناراحت می شم که این نسبت ها رو به من می دین.
یعنی شما یه گونه ای به من می گین لیلا عطوفت انسانی..... سکوت (مقابسه نقش)
لیلا شروع می کنه به گریه کردن.
مشاور: به شما حق می دهم که ناراحت بشین، چون مطمئناً منظور شما این نیست. خب
حالا حرف خودتونو بزنید منظور شما واقعاً چیه؟
مسعود می خواد اعتراض کنه: آخه...
مشاور با دستش از حرف زدن او پیش گیری می کنه (توقف چرخه درگیری)
لبلا با گریه می گوید: مسعود از من یک دیو ساخته تا نیست من با عمه اش مهربانم ولی
وقتی هست همه چیز خراب می شه او با عمه اش طوری رفتار می کنه که مثل اینکه می خواد
اونو از دست یکی نجات بده.
ناصر: البته واقعا همینطوره.. بابا ببخشید منم اینو احساس کردم.
مادر گریه می کنه
سکوت طولانی
مشاور: لیلا خانم خیلی دلتون شکسته نه؟ چون احساس می کنید منظورتون درک نشده
(همدلی)
لیلا با سر تکان دادن تایید می کند.
مشاور خب حالا ممکنه منظورتون رو توضیح بدین؟
لیلا: می دونین من هم آدمم مسلمونم انسانیت سرم می شه ولی گریه می کند
مسعود: خیلی خب. اگه مشکل فقط وجود عمه هست من از اینجا که بریم، می برم

کهریزک . به من چه . من که نمی‌تونم همه رو اسیر کنم به خاطر بدهی خودم. از این به بعد عصر که از کار تعطیل می‌شم یه راست می‌رم کهریزک تا شب پیشش می‌مونم. شب هام می‌يام خونه که همه راحت باشند.

مشاور با تعجب مسعود را نگاه میکند و لیلا فقط گریه می‌کند

ناصر می‌ره پیش مامانش و نوازشش می‌کنه

مشاور: آقا مسعود شما از گریه های لیلا خانم چنین چیزی فهمیدید؟ یا ایشون قبلاً چنین خواسته ای داشته اند؟

مسعود: نه خب معلوم منظور دیگه ای هم مگه میشه داشت.

مشاور: بیا فکر کنیم ببینیم لیلا چه منظور دیگه ای می‌تونه داشته باشد

مسعود: خب والله من...

مشاور با خنده: آقا مسعود الان که ناصر رفت پیش مامانش، شما چه احساسی پیدا کردید، میشه لطفاً دقیقاً بگین (مواجهه بیدار کننده)

مسعود: خب خب.. راستش از ناصر حرصم گرفت فکر کردم ناصر حق رو به مادرش داده و

ناصر با تعجب: ا..بابا من...خب مامان ناراحته!...داره گریه می‌کنه!!

مشاور: عجب ناصر جان شما چنین منظوری داشتید؟ نمی‌خواستید به پدرتون بگین حرفاش درست نیست (مقایسه نقش)

ناصر: اصلاً بحث اینا نبود.

خب به نظرم می‌رسه یک کاری بکنیم در این هفته آقا مسعود بیشتر به منظور لیلا خانم فکر کنند و برای هفته آینده طرح هایی درباره اینکه منظور لیلا خانم از اعتراض هایی می‌کنند، چه چیز می‌تواند باشد، ارائه دهند (خوداندیشی) و لیلا خانم هم (با لبخند) در رفتار با عمه خانم در حضور آقا مسعود، تحت تاثیر رفتارهای مرتبط با احساس بدهکاری آقا مسعود به عمه شون قرار نگیرند و با عمه خانم مثل زمانی که آقا مسعود نیست و خودشون و خدا، عمه خانم و ناصر و مسعود راضی اند، عمل کنند (ارجاع به اعلا). (لیلا لبخند می‌زند و باز هم اشک می‌ریزه و ناصر با مهربانی مامانشو نگاه می‌کنه). مشاور ادامه می‌دهد: آقا ناصر

هم با زیاد ناز مامانشو کشیدن حرص باباشونو در نیارن. همه خنده شون میگیره (پیام پنهان به مسعود)

روند جلسات هر پانزده روز یکبار تا سه جلسه تکرار شد. بحث طی این جلسات؛ امر نگهداری از عمه خانم از حالت خدمت به عمه مسعود به حالت خدمت به انسانی نیازمند محبت که عاقبت هر یک از ما نیز می تواند مثل او باشد تغییر یافت. طرح درمان جریان را از حالت به هم بسته به حالت رابطه ی یک به یک، لیلا با عمه خانم، لیلا با مسعود، مسعود با لیلا، مسعود با عمه تغییر داد و همه این ارتباطات در ارتباط با وجود کلی انسان، هستی و خداوند قرار گرفت. هر کس نسبت به مسئولیت شخصی خود در مقابل موقعیت عمه خانم سهم خود را ادا کرد و سهم خود را در خانواده به طور جداگانه در نظر گرفت و به این ترتیب با توجه به آگاهی های صورت گرفته و هیجان های تعدیل شده، کسی برای کس دیگری کاری نمی کرد که طلبکار باشد و با انتظارات درونی به کنترل طرف مقابل پردازد بلکه هر کسی کاری می کرد برحسب وظیفه انسانی و ادعای بندگی خود عمل می کرد. لذا هر کس کار بیشتری می کرد به خودش خدمت بیشتری کرده بود.